

Archaeological Heritage of Rayy: A Review of Archaeological Investigations in Rayy in the Early Decades of the 20th Century and the Fate of their Finds and Documents

Negin Miri ¹ 

1. Department of Archaeology, Faculty of Letter and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
Email: n_miri@sbu.ac.ir

..Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 27 September 2025

Revised: 30 October 2025

Accepted: 01 November 2025

Published online: 06 December 2025

Keywords:

Archaeology, Délégation en Perse, Délégation Archéologique Française en Perse, Herzfeld, Rayy, Schmidt.

ABSTRACT

From the last decades of the 19th century until the end of Erich F. Schmidt excavations in Rayy in 1937, numerous commercial and few scientific archaeology missions worked at Rayy. Schmidt's excavation in the prehistoric mound of Cheshmeh Ali brought an international fame for Rayy among archaeologists interested in Iranian prehistory. Nevertheless, Rayy was already renowned among antiquarians and Islamic archaeologists as well as commercial excavators for its beautiful Islamic ware unearthed from the ruins of once-glorious Early and Medieval Islamic city of Rayy in clandestine diggings. Schmidt's excavations was a turning point in the archaeology of Rayy due to its scientific approach and conformance to the new Antiquities Act, which obliged excavators to divide objects and submit reports to the Iranian government. Today, archaeological heritage of Rayy, including fine prehistoric pottery from Cheshmeh Ali, beautiful Islamic wares and fascinating Sasanian-Islamic stucco are displayed in museums around the world. Excavation reports and documents from such missions are kept in various archives as well, many of which still unpublished. Investigating the archaeological history of Rayy shows that before ratification of the Antiquities Act in 1930, excavated objects were either traded in antique markets by diggers or shipped out of Iran by archaeological missions and found their way to European collections and museums; no report or object was necessarily handed over to the Iranian government. The present study extensively reviews archaeological activities that were conducted in Rayy in the early decades of the 20th century and puts it in the contexts of the historical development of archaeological organization in Iran, that was gradually evolving by the establishment of Antiquities Department and ratification of the Antiquities Act. Additionally, distribution of archaeological material and documents from Rayy in different archives is comprehensively presented to pave way for further research on the archaeology of Rayy and its history.

Cite this article: Miri, N. (2025). Archaeological Heritage of Rayy: A Review of Archaeological Investigations in Rayy in the Early Decades of the 20th Century and the Fate of their Finds and Documents. *Journal for the History of Science*, 23 (1), 131-170. DOI: <http://doi.org/10.22059/jihs.2025.403110.371843>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press

میراث باستان‌شناسی ری؛ مروری بر فعالیت‌های باستان‌شناسی ری در دهه‌های نخست سده بیستم میلادی و سرنوشت یافته‌ها و اسناد آن

نگین میری^۱

۱. گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، رایانامه: n_miri@sbu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵	پهنه باستانی ری، از واپسین دهه‌های سده ۱۹ تا سال ۱۹۳۷ میلادی که کاوش‌های اریک ف. اشمیت در آن پایان یافت، عرصه حضور کاوشگران تجاری و چند هیأت علمی باستان‌شناسی بود. کاوش‌های اشمیت در تپه پیش از تاریخی چشمه‌علی در میانه دهه ۱۹۳۰ میلادی جایگاه ری را در بستر پژوهش‌های باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران به شهرتی جهانی رساند. میراث باستانی ری اما پیش از آن و از اواخر سده ۱۹ میلادی به سبب اشیاء و سفالینه‌های اسلامی زیبای مکشوفه در ویرانه‌های شهر باشکوه سده‌های نخستین و میانه اسلامی ری مورد توجه باستان‌شناسان، عتیقه‌بازان و کاوشگران تجاری ایرانی و غیرایرانی قرار گرفته بود. کاوش‌های اشمیت به واسطه رویکرد عالمانه آن (در مقیاس آن دوره) و نیز بدان جهت که در چهارچوب قوانین جدید مربوط به فعالیت‌های باستان‌شناسی در ایران پیش می‌رفت، نقطه عطفی در پیشینه باستان‌شناسی ایران و ری است. پیش از اشمیت و جدا از کاوش‌های تجاری، هیأت باستان‌شناسی فرانسه در ایران نیز بررسی و کاوش مختصری در دشت ری انجام داده بود. امروزه میراث باستان‌شناسی ری، به‌ویژه سفال‌های زیبای پیش از تاریخی چشمه‌علی، سفالینه‌های چشم‌نواز اسلامی و گچ‌بری‌های ساسانی - اسلامی به دست آمده از فعالیت‌های تجاری و علمی باستان‌شناسی در ری از اواخر سده نوزده و چند دهه نخست سده بیستم، در موزه‌ها و مجموعه‌های سرتاسر جهان پراکنده‌اند و اسناد مرتبط با آنها نیز در بایگانی‌های گوناگون نگهداری می‌شوند. بررسی تاریخچه فعالیت‌های باستان‌شناسی در ری نشان می‌دهد مواد حاصل از کاوش‌های تجاری و غیرتجاری ایرانی و غیرایرانی تا پیش از تصویب قانون حفظ آثار عتیقه در ۱۳۰۹ ش/۱۹۳۰ م، در بازارهای عتیقه معامله شده و به مجموعه‌های خصوصی و موزه‌های غالباً اروپایی راه می‌یافتند و عملاً چیزی به دولت ایران تحویل داده نمی‌شد. اسناد داخلی مرتبط با این فعالیت‌ها نیز عموماً محدود به مکاتبات اداره کل عتیقات است. مرور پیشینه فعالیت‌های باستان‌شناسی در این چند دهه، به‌ویژه در بستر تاریخچه باستان‌شناسی ایران که در این دوران در حال تکوین و تکامل هویتی نوین برای خود و سامان دادن به سازوکاری اداری و قانونی به‌منظور انجام، مدیریت و نظارت بر کاوش‌ها و یافته‌های باستان‌شناسی و حضور هیأت‌های خارجی بود، و نیز شناسایی پراکندگی مواد فرهنگی و اسناد باستان‌شناسی مرتبط با این فعالیت‌ها در موزه‌ها و مؤسسات پژوهشی با هدف ایجاد بستری برای پژوهش‌های بعدی، محور اصلی این نوشتار است.

کلیدواژه‌ها:

اشمیت، باستان‌شناسی، ری، هرتسفلد، هیأت باستان‌شناسی فرانسه در ایران.

استاد: میری، نگین. (۱۴۰۴). میراث باستان‌شناسی ری؛ مروری بر فعالیت‌های باستان‌شناسی ری در دهه‌های نخست سده بیستم میلادی و سرنوشت یافته‌ها و اسناد آن. تاریخ علم، (۱)۲۳.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jihs.2025.403110.371843>. ۱۷۰-۱۳۱



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

مقدمه

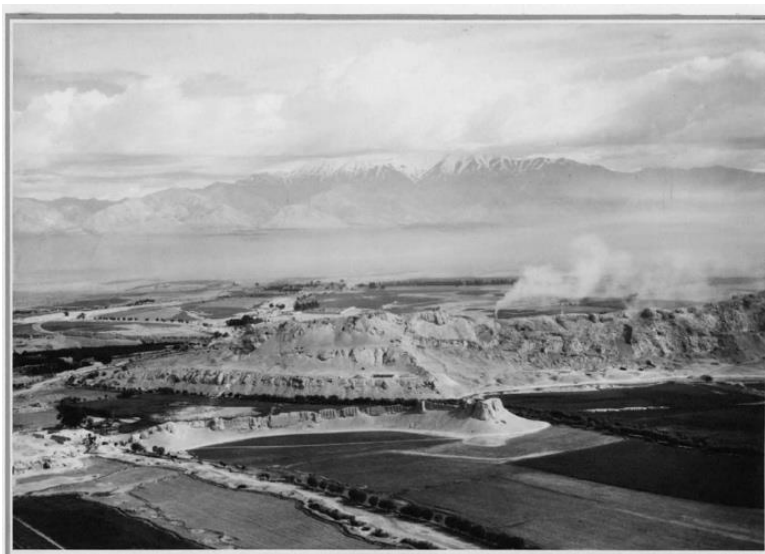
از اواخر سده نوزدهم میلادی، علاوه بر گزارش‌های تاریخی و یادداشت‌های سیاحان، میراث باستانی ری بیشتر به سبب اشیاء و سفالینه‌های اسلامی زیبای مکشوفه از کاوش‌های باستان‌شناسان آماطور، عتیقه‌بازان و حفاران ایرانی و غیرایرانی در ویرانه‌های این شهر کهن و محوطه‌های پیرامون آن شهرتی جهانی یافته بود (Wallis 1891; Sarre 1913: 9; A.R.H 1935: 56; Schmidt, 1935a: 43; 1940: 31, 33; Pope 1942: 186; Gunter and Hauser 2005: 10; Treptow 2007: 13-14; Watson 2007: 9; Rante 2010). حتی ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۷۵-۱۲۹۰ ش / ۱۸۳۰-۱۸۹۶ م) نیز در دهه پایانی سده نوزدهم در جستجوی عتیقه و طلا و نقره در امین‌آباد ری حفاری کرده بود (Nasiri-Moghaddam 2004: 254). به این ترتیب و به دلیل این شهرت و سابقه، پهنه باستانی ری در نزدیکی پایتخت از واپسین دهه‌های سده نوزدهم تا سال ۱۹۳۷ م/۱۳۱۶ ش که کاوش‌های اریک اف. اشمیت در ری پایان یافت، عرصه حضور حفاران تجاری متعدد و سپس چند هیأت علمی باستان‌شناسی بود. مقارن با همین دوران، شهر تهران شاهد رشد و توسعه‌ای برآمده از تغییر و تحول در احوال سیاسی و اقتصادی بود. همراه با توسعه پایتخت، کارخانه‌های سیمان و گلیسیرین و صابون نیز در دهه‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ ش (۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ م) در جوار پهنه باستانی ری ساخته شد و گسترش بافت مسکونی تهران، سرانجام ری باستان را در خود فرو برد (تصاویر ۱-۲). روستاهای شاه عبدالعظیم و بی‌بی زبیده که در دهه‌های نخست قرن بیستم برای مشخص کردن موقعیت ویرانه‌های باستانی ری به آنها ارجاع داده می‌شد، به بخش‌هایی از شهری بدل شدند که امروزه آن را با عنوان شهر ری می‌شناسیم. به این ترتیب پهنه‌ای گسترده از لایه‌های باستانی پیرامون این روستاها، طی چند دهه، به ویژه از دهه ۱۳۲۰ ش/۱۹۴۰ م به بعد، زیر انبوه خانه‌ها، خیابان‌ها و بزرگراه‌ها مدفون شد؛ اندک آثار باقیمانده نیز امروزه به سختی در میان عرصه پیش‌رونده ساخت و سازها در برابر ویرانی بیشتر مقاومت می‌کند.

در جمادی‌الاولی ۱۳۲۸ ق برابر با اردیبهشت ۱۲۸۹ ش/۱۹۱۰ م ضرورت مدیریت و نظارت بر حفاریات تجاری که نه تنها در ری، بلکه در نواحی دیگری نیز انجام می‌شد، منجر به تأسیس اداره عتیقات ایران (که به زودی به اداره کل مرکزی عتیقات تغییر نام داد) ذیل وزارت معارف و فواید عامه و انتصاب ایرج میرزا جلال‌الممالک (۱۳۰۴-۱۲۵۳ ش) به سمت مدیریت آن شد (تصویر ۳)^۱.

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره روند تأسیس اولین اداره عتیقات، انحلال آن در مهر ۱۲۹۰ ش/۱۹۱۱ م، تأسیس مجدد آن در تابستان ۱۲۹۳ ش/۱۹۱۴ م و نیز روند تدوین و تصویب و سرنوشت نخستین قانون عتیقات و امور مرتبط با مدیریت کاوش‌ها در ایران در این دوران نک. ←



تصویر ۱. منظره عمومی ری از فراز ارگ شهر سده‌های میانه اسلامی، برج طغرل و حرم شاه عبدالعظیم در چشم‌انداز دیده می‌شوند (از آرشیو موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو، منتشر شده در Holod 2019: Fig. 11.9).



تصویر ۲. منظره عمومی ارگ و باروهای پهنه شهر سده‌های میانه اسلامی ری؛ دود کارخانه سیمان در تصویر دیده می‌شود (Schmidt 1940: Pl. 31).

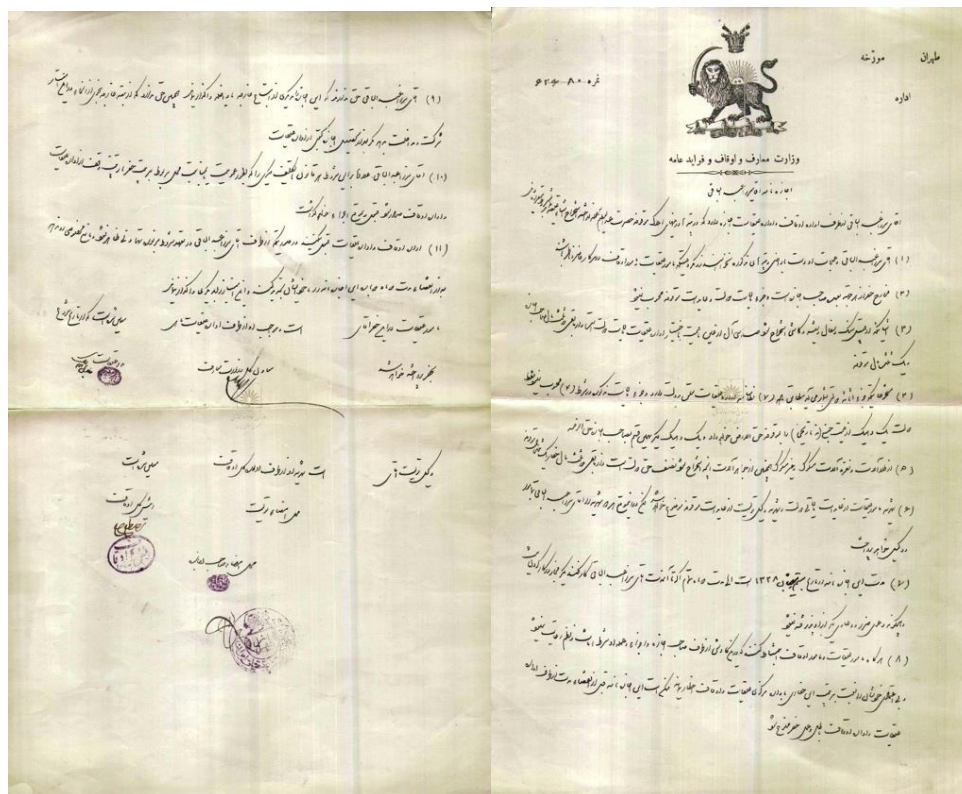
→ Nasiri-Moghaddam 2004: 290-302. در برخی منابع (مثلاً مصطفوی ۱۳۳۴: ۳۸۷، یادداشت ۱) این تاریخ ۱۲۷۹ قید شده که شاید ناشی از قرائت نادرست دستخط اسناد آن دوران باشد.



تصویر ۳. حکم تفویض ریاست اداره عتیقات به شاهزاده ایرج میرزا جلال الملک (بایگانی مرکز اسناد و مدارک پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، سند ۳۶۱).

به این ترتیب کم‌کم مسأله نظارت بر حفاریات و ضرورت اخذ مجوز از دولت بدین منظور توسط افراد متقاضی، تحت سازوکاری اداری و انتظامی قرار گرفت. در سندی به تاریخ رمضان ۱۳۲۸ ق/ مهر ۱۲۸۹ ش به امضای جلال الممالک (ایرج میرزا) که موضوع آن اعطای اجازه حفاری در املاک موقوفه حضرت عبدالعظیم است، شرایط و توضیحات مفصلی در خصوص تعیین تکلیف اشیاء حاصل از حفاری آمده که در ضمن آنها (بند ۴ سند) به ماده ۷ «نظامنامه اداره عتیقات» نیز اشاره شده است (تصویر ۴). به این ترتیب به نظر می‌رسد پس از تأسیس اداره عتیقات نظام‌نامه‌ای نیز در خصوص ضوابط مربوط به انجام حفاریات

و اشیاء مکشوفه تدوین شده باشد.^۱ متقاضیان حفاری می‌توانستند با ارائه درخواست و کسب مجوز از این اداره، در اراضی شخصی یا اجاره‌ای حفاری کنند و با متخلفان نیز برخورد می‌شد.^۲



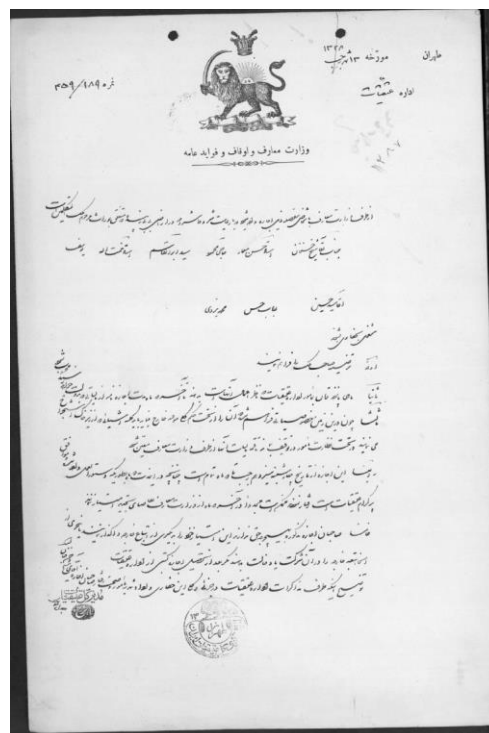
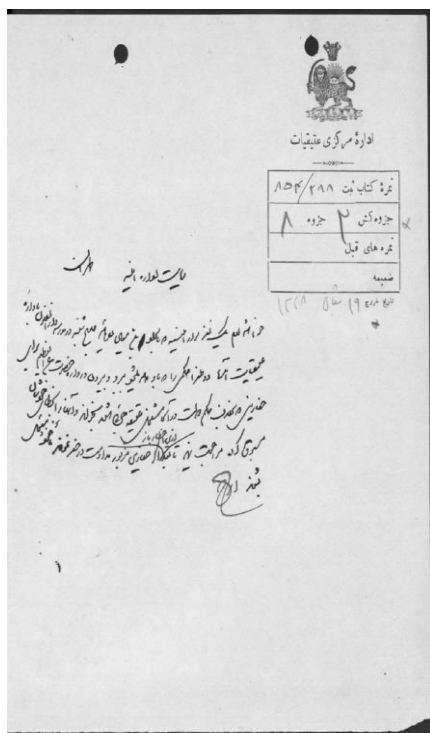
تصویر ۴. مجوز حفاری در اراضی موقوفه حضرت عبدالعظیم به عبدالباقی توسط اداره عتیقات (مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره بازبایی سند ۲۹۷۰۴۱۱۰۷).

اسناد اداره عتیقات مربوط به این سال‌ها دربردارنده مکاتبات و گزارش‌های بسیاری در این باره است و در آن میان طبیعتاً، اسنادی نیز به مسأله حفاریات محدوده ری و امور مرتبط با آن در این دوران اختصاص

۱. نویسنده متن و سند این نظام‌نامه را نیافت. نصیری مقدم تاریخ تصویب نخستین قانون مربوط به عتیقات در مجلس شورای ملی را دی ماه ۱۲۸۹/زانونه ۱۹۱۱ ذکر کرده است (Nasiri-Moghaddam 2004: 294-295).

۲. البته فرانسه به این موضوع اعتراض کرد چون کاوش در همه ایران را حق انحصاری خود می‌دانست. برای اطلاعات بیشتر نک. Nasiri-Moghaddam 2004: 292-295

دارد.^۱ از جمله آنها می‌توان به درخواست‌ها و مجوزهایی برای حفاری در اراضی اطراف حرم حضرت عبدالعظیم، اراضی بی‌بی زبیده، کوه بی‌بی شهربانو، ابن بابویه، امین‌آباد، تپه میل و اشاره کرد (تصاویر ۶-۴).



تصویر ۶. فرستادن یک نفر مامور امنیه به منطقه حضرت عبدالعظیم در خصوص تذکر برای حفاری غیرمجاز و جلوگیری از آن (بایگانی مرکز اسناد و مدارک پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، سند ۱۰۶).

تصویر ۵. مجوز حفاری در اراضی بی‌بی زبیده متعلق به وراثت ملک المتکلمین توسط اداره عتیقات (بایگانی مرکز اسناد و مدارک پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، سند ۶۳).

۱. بخشی از این اسناد از جمله اسنادی که در این نوشته بدان‌ها اشاره شده است در بایگانی مرکز پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری نگهداری می‌شود.

این روند قانونی و البته در عمل ویرانگر، تا سال‌ها در ایران از جمله در پهنه باستانی ری ادامه داشت.^۱ در این باره جورج کرزن در کتاب معروف ایران و قضیه ایران که در سال ۱۸۹۲ م / ۱۲۷۱ ش منتشر شده، درباره خرابه‌های ری می‌نویسد:

تهرانی‌ها عادت کرده‌اند که با بیل و خاک‌انداز به عزم اکتشاف خصوصی به آن حدود [ری] بروند و غالباً با مقداری کاشی‌های عالی که در کمال شفافیت و دارای جلای درخشانی است و رازش از اسرار مفقود گذشته به شمار می‌رود ولی به طرز وصف‌ناپذیری حتی به صورت قطعات شکسته و لب‌پریده که در نتیجه استعمال بیل معمولاً عاید جویندگان می‌شود، زیبا و دل‌پذیر است برگردند (کرزن ۱۳۹۶: ۴۶۲) (تصویر ۷)^۲



تصویر ۷. عکسی کم نظیر از حفاری در ویرانه‌های ری کهن از دریچه دوربین آنری ویوله به سال ۱۹۱۲ که شاید تنها سند تصویری از چنین فعالیت‌هایی در آن روزگار باشد. برج طغرل در سمت راست تصویر دیده می‌شود (قابل مشاهده و دسترسی در <https://bina.bulac.fr/s/bina/ark:/73193/bcfz3k>).

بیش از سی سال بعد از قول سید محمد محیط طباطبایی چنین می‌خوانیم:

۱. صدور مجوز برای کاوش تجاری و انجام آن به هر شکل سرانجام در سال ۱۳۳۸ ش / ۱۹۵۹ م ملغی گردید و در انحصار دولت درآمد (غلام‌دوست ۱۳۹۱: ۴۰-۳۹).

۲. همچنین نگاه کنید به گزارش میسوط کلود آنه به سال ۱۹۱۰ م در خصوص کم و کیف چنین حفاریاتی در پهنه باستانی ری (آنه ۱۳۶۸: ۶۶-۶۳).

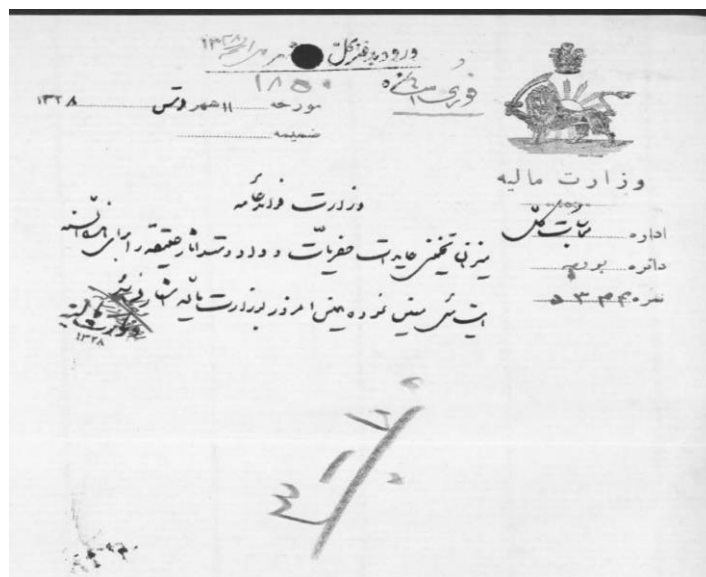
در ۱۳۰۲ ش (۱۹۲۳ م) که تازه به تهران آمده بودم با چند تن از دوستان به زیارت حضرت عبدالعظیم از راه دولت‌آباد می‌رفتیم، در کنار جاده عده‌ای را به تپله‌کشی بی‌پروا مشغول دیدم و معلوم بود هنوز در راه این کار زیان‌آور مانعی به وجود نیامده بود.

یا در جای دیگر

تپله‌کشی خرابه‌های ری را که در زمان کرپورتر از خندق قدیم تهران تا پشت حرم عبدالعظیم گسترده بود، به صورتی درآورد که برج‌های مقبره کسایی و محمدحسن شیبانی که تا اوایل عهد ناصرالدین شاه نسبتاً سالم مانده بود در ۱۳۱۳ ش (۱۹۳۴ م) که مشتاق بازدید از آنها بودم، طوری از میان رفته بود که هنگام تحقیق در خرابه‌های ری اگر پیرمرد هفتاد ساله‌ای خبر از خرابی آنها در زمان جوانی خود نمی‌داد، اینجانب از بازدید گودال محل قبر محمدحسن خان شیبانی در اراضی جنوبی ابن‌بابویه محروم بودم (نقل قول از سید محمد محیط طباطبایی، در ملک شهمیرزادی ۱۳۷۸: ۵۶-۵۵، ۶۲-۶۱).^۱

متأسفانه تقریباً هیچ سندی دربارهٔ چگونگی این حفاریات در محدودهٔ ری و جزئیات یافته‌ها و اشیاء به دست آمده و سرنوشت دقیق آنها در دست نیست. بر اساس نظام‌نامهٔ پیش‌گفته و محتویات برخی اسناد ادارهٔ عتیقات (برای نمونه اسنادی مربوط به سال ۱۲۸۹ ش؛ تصاویر ۸ و ۹ الف - ب) حفاران ملزم به پرداخت مبلغی با نام حق دیوانی به دولت به عنوان عوارض و مالیات «عایدات» و اشیاء به دست آمده از حفاریات و پیرو آن مجاز به نگهداری یا خرید و فروش اشیاء بودند؛ خروج اشیاء از ایران نیز مستلزم داشتن برچسب ادارهٔ عتیقات و مهر سربی بر آنها بود (تصویر ۱۰) (غلام‌دوست ۱۳۹۱: ۱۷ - ۱۶؛ مصطفوی ۱۳۳۴: ۳۸۷، یادداشت ۱؛ Nasiri-Moghaddam 2004: 290-295). اینکه آیا تمایزی در این ضوابط برای خارجی‌ان وجود داشت یا نه، چندان مشخص نیست، اما در برخی اسناد تصریح شده صاحبان اجازهٔ حفاری حق واگذاری امتیاز خود را به اتباع خارجی بدون اجازهٔ ادارهٔ عتیقات ندارند (تصویر ۵). بنا بر این احتمالاً افراد غیرایرانی نیز در صورت کسب اجازهٔ مستقیم از ادارهٔ عتیقات امکان حفاری داشتند. از وجود چند هیأت بررسی و کاوش فرانسوی در ری در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۴ م/۱۲۷۹ تا ۱۲۹۳ ش آگاهیم که در ادامه به آنها می‌پردازیم. در مجموع می‌توان چنین گفت که غالب اشیاء به دست آمده از کاوش‌های ایرانیان و غیرایرانیان در ری در این دوران در تملک آنها بوده، خرید و فروش می‌شده و دست آخر به مجموعه‌های عتیقه داخلی و خارجی و موزه‌ها راه پیدا می‌کردند.

۱. کاوش‌های غیرمجاز در محوطه‌های باستانی ری دست کم تا دههٔ ۱۹۷۰ (اواخر دههٔ ۱۳۴۰ تا اواخر ۱۳۵۰ ش) استمرار داشت. برای مثال می‌توان به گزارش دیورا تامپسون مبنی بر تداوم تخریب و کاوش حفاران غیرمجاز در محوطه چال ترخان-عشق‌آباد به سال ۱۳۵۱/۱۹۷۲ م اشاره کرد (Thompson 1976: 1-2, 94, note 6).



تصویر ۸. درخواست وزارت مالیه از وزارت فوائد عامه و اداره عتیقات در خصوص تعیین میزان عایدی دولت از حفريات (بایگانی مرکز اسناد و مدارک پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، سند ۱۰۸).

در ادامه روند تحول تشکیلات اداری مرتبط با آثار باستانی و تدقیق ضوابط مربوط به حفريات ابتدا نظام‌نامه جدید عتیقات، مورخ خرداد ۱۳۰۳/ش/۱۹۲۴م^۱ و سپس قانون حفظ آثار عتیقه در ۱۲ آبان ۱۳۰۹/ش/۱۹۳۰م^۲ و دو نظام‌نامه اجرایی برای آن ابتدا در بهمن ۱۳۰۹/ش/۱۹۳۱م^۳ و سپس در آبان ۱۳۱۱/ش/۱۹۳۲م به تصویب رسید. ماده ۸ تا ۲۲ نظام‌نامه سال ۱۳۰۳/ش به مسائل مرتبط با حفاری و عتیقات حاصل از این فعالیت‌ها می‌پردازد^۴. بنا بر ماده هشتم «حفر در اراضی ایران برای استخراج عتیقه

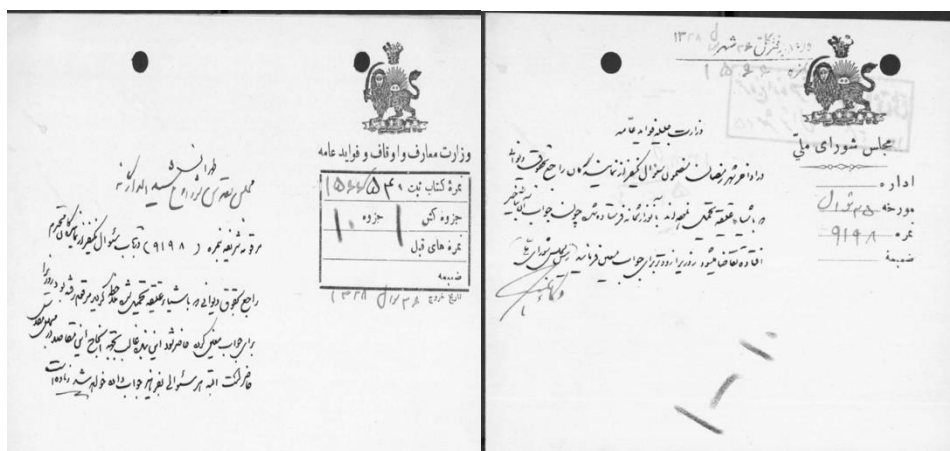
۱. مصطفوی از این نظام‌نامه با عنوان آیین‌نامه‌ای مشتمل بر ۲۹ ماده با نام آیین‌نامه عتیقات یاد می‌کند که به سال ۱۳۰۳/ش به تصویب هیأت وزیران رسیده و مبنای عمل اداره عتیقات بود (مصطفوی ۱۳۳۴: ۳۸۸). محتوا و تصویر این سند که با شماره بازبایی ۲۴۰۰۳۸۰۶۴ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود، در مقاله مهتاب غلام‌دوست آمده است (غلام‌دوست ۱۳۹۱: ۱۷-۲۱).

۲. پیش‌نویس‌های اصلی قانون عتیقات توسط ارست هرتسفلد نوشته شده بود (بهرامی و عبدی ۱۳۸۰: ۲۸-۳۰; Hauser 2003: ۲۳-۲۱). عتیقات در این منبع نقل شده است: غلام‌دوست ۱۳۹۱: ۲۳-۲۱.

۳. محتوای نظام‌نامه مصوب بهمن ۱۳۰۹ خورشیدی در این منبع نقل شده است: غلام‌دوست ۱۳۹۱: ۲۷-۲۴.

۴. به نظر می‌رسد تا پیش از این نظام‌نامه تنها در خصوص کاوش‌های هیأت باستان‌شناسی فرانسه در ایران (Délégation archéologique française en en Perse) سازوکار روشنی درباره تعیین تکلیف اشیاء کاوش شده تعریف شده بود. در فصول شش و هفت امتیازنامه سال ۱۲۷۴ خورشیدی/۱۸۹۵ میلادی میان دولت ایران و فرانسه با عنوان «امتیاز انحصار انکشاف آثار قدیمه در ممالک محروسه ایران»، مقرر شده بود به جز اشیاء طلا و نقره و جواهرات که متعلق به دولت ایران خواهد بود، سایر یافته‌های حاصل از کاوش نیز می‌بایست میان دو دولت ایران و فرانسه ←

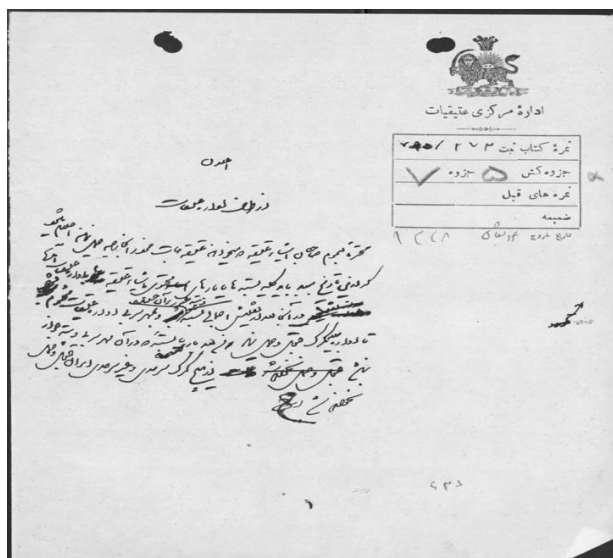
بدون اجازه رسمی وزارتخانه معارف ممنوع و مستخرجات مختلف ضبط و در موزه معارف نگاهداری می‌شود».



تصویر ۹ الف - ب: مکاتبات بین مجلس و وزارت فوائد عامه در خصوص تعیین حقوق دیوانی اشیای عتیقه و اجازه دادن باغ‌های دولتی بدون اعلان فوائد (بابگانی مرکز اسناد و مدارک پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، سند ۹۵).

علاوه بر ضرورت داشتن مجوز حفاری از دو وزارت مالیه و معارف، در ماده ۱۱ آمده است که ۲۵ درصد از ارزش اشیاء به دست آمده از حفاریات در اراضی خالصه سهم دولت خواهد بود و این سهم در خصوص طلا و نقره به ۷۵ درصد افزایش می‌یابد. در تبصره ۱ ماده ۱۱ تصریح شده است که صورت‌برداری و ارسال تمامی اشیاء به وزارت معارف جهت ثبت و ضبط، تعیین ارزش و دریافت سهم دولت از آنها لازم است. برای صدور اشیاء به خارج ۱۰ تا ۲۰ درصد مالیات نیز دریافت می‌شد (تبصره ۳ ماده ۱۱ و ماده ۱۶). از اشیاء مکشوفه در سایر اراضی، نصف سهم دولت و نصف سهم صاحب ملک یا صاحب اجازه بود (ماده ۱۷ و ۱۸). اشیاء سهم دولت در موزه معارف ضبط و نگهداری (ماده ۱۹، ۲۳ و ۲۵) و صورت جامعی و کاملی از آنها از سوی وزارت معارف به وزارت مالیه داده می‌شد (ماده ۲۷).

→ تقسیم شود. در امتیازنامه بعدی با عنوان "صورت عهدنامه قطعی نسبت به امتیاز عتیقه در ایران" به سال ۱۲۷۹ خورشیدی/۱۹۰۰ میلادی تغییراتی در مقوله تملک و تقسیم یافته‌ها به نفع دولت فرانسه ایجاد شد. بنا بر این امتیازنامه جدید، دولت فرانسه معادل وزن اشیاء طلا و نقره به خزانه دولت ایران پول طلا یا نقره می‌پرداخت و باقی اشیاء به استثنای آثار مکشوفه از حوالی شوش - که تماماً به دولت فرانسه تعلق می‌گرفت - میان دو دولت به تساوی تقسیم می‌شد (فصل‌های دوم تا چهارم امتیازنامه ۱۲۷۹/۱۹۰۰؛ ملک شه‌میرزادی ۱۳۷۸: ۴۵-۳۶؛ کریم‌لو ۱۳۷۸: ۴۳-۷۹، ۸۱).



تصویر ۱۰. اعلان به صاحبان اشیای عتیقه که از این تاریخ به بعد برای حمل اشیای خود به خارج باید آنها دارای برچسب و مهر سربى اداره عتیقات باشند تا از گمرک ترخیص شوند (بایگانی مرکز اسناد و مدارک پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، سند ۴۶۹).

بنا بر این ممکن است اسنادی دربارهٔ کم و کیف برخی از اشیاء به دست آمده در حفاری‌ها از این دوران به بعد در دست باشد. در قانون حفظ آثار عتیقه سال ۱۳۰۹ ش، که جایگزین نظام‌نامهٔ قبلی شد، حق کاوش صرفاً برای دولت محفوظ شناخته شد: «حفر اراضی و کاوش برای استخراج آثار ملی منحصرأ حق دولت است و دولت مختار است که به این حق مستقیماً عمل کند یا به مؤسسات علمی یا به اشخاص یا شرکت‌ها واگذار نماید. واگذاری این حق از طرف دولت به موجب اجازه‌نامه مخصوص باید باشد که محل کاوش و حدود و مدت آن را تعیین نماید.» (ماده ۱۱). علاوه بر محدود کردن حق کاوش برای دولت، مادهٔ ۱۲ این قانون کاوش‌های باستان‌شناسی را در دو قالب جدید تعریف می‌کرد: «حفاری اگر فقط برای کشف آثار ملی و تحقیقات علمی باشد حفاری علمی و اگر برای خرید و فروش اشیاء عتیقه باشد حفاری تجارتي است.» برای هر دو نوع حفاری اجازهٔ دولتی ضروری و البته حفاری تجارتي در ابنیه و اموال غیرمنقول ثبت شده در فهرست آثار ملی ممنوع بود. در خصوص اشیاء مکشوفه از کاوش‌ها و اسناد مرتبط با آنها نیز سازوکاری مشخص‌تر تعیین شد. بر اساس قانون جدید، چنانچه دولت حفاری را انجام دهد، تمام اشیاء متعلق به دولت است؛ اما اگر «دیگری کشف کرده باشد، دولت تا ده فقره از اشیائی که حیثیت تاریخی و صنعتی دارد می‌تواند انتخاب و تملک

نماید و از بقیه نصف را مجاناً به کاشف واگذار و نصف دیگر را ضبط کند.» (ماده ۱۴). مورد مهم دیگر در خصوص اسناد مرتبط با کاوش‌ها بود که به استناد ماده سی و سوم نظام‌نامه اجرایی قانون حفظ آثار عتیقه می‌بایست در پایان هر فصل توسط کاوشگر به رئیس اداره عتیقات تحویل داده می‌شد. اسناد ذکر شده عبارت بودند از نقشه‌ها، سیاهه اشیاء و بناهای مکشوفه و یک گزارش علمی مختصر. البته به نظر می‌رسد برای دریافت گزارش و اسناد مربوطه عموماً تمهیدی از جانب ایران در کار نبود یا دریافت اسناد در مقایسه با اشیاء از اهمیتی به مراتب کمتر برخوردار بود و چندان پیگیری و اجرا نمی‌شد.

فعالیت‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در پهنه باستانی ری در نیمه نخست سده بیستم، که این مقاله به مرور آنها می‌پردازد، در چنین بستری از تغییر و تحولات اداری و تشکیلاتی و قانونی انجام می‌شد.^۱ تنها هیأتی که پس از تصویب نظام‌نامه جدید عتیقات ۱۳۰۳ ش/ ۱۹۲۴ م و قانون حفظ آثار عتیقه ۱۳۰۹ ش/ ۱۹۳۰ م کار خود را در ری آغاز کرد، هیأت مشترک اعزامی به ایران^۲ به سرپرستی اشمیت بود که ملزم شد نیمی از یافته‌های کاوش‌ها را به دولت ایران تحویل دهد. در خصوص تحویل اسناد مربوط به این کاوش‌ها (گزارش، نقشه و تصاویر) به دولت ایران اطلاع‌چندانی در نیست و احتمالاً تسلیم گزارش به دولت ایران صرفاً محدود به گزارشی مختصر درباره کاوش و سیاهه یافته‌ها می‌شد. درباره کاوش‌های پیش از ۱۳۰۳ ش/ ۱۹۲۴ م قاعداً روالی در مورد مالکیت دولت ایران بر اشیاء مکشوفه و اسناد مربوطه، به جز دریافت عوارض و مالیات در کار نبود. قانون تقسیم اشیاء میان دولت ایران و هیات‌های باستان‌شناسی تا اوایل دهه ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۰ م پابرجا بود (ملک شه‌میرزادی ۱۳۷۸: ۴۶). به این ترتیب بود که میراث باستان‌شناسی ری به ویژه سفال‌های زیبای پیش از تاریخی چشمه‌علی، سفالینه‌های چشم‌نواز اسلامی و گچبری‌های ساسانی - اسلامی ری در موزه‌ها و مجموعه‌های سرتاسر جهان پراکنده شد و اسناد مرتبط با این فعالیت‌ها نیز به بایگانی‌های گوناگون راه یافت. در ادامه به مرور گاه‌نگارانه فعالیت‌های باستان‌شناسی غیرتجاری انجام شده در پهنه باستانی ری در نیمه نخست سده بیستم و نیز بررسی پراکندگی مواد فرهنگی و اسناد باستان‌شناسی مرتبط با این فعالیت‌ها در موزه‌ها و مؤسسات پژوهشی دنیا نیز با هدف ایجاد بستری برای پژوهش‌های بعدی می‌پردازیم.

۱. محدوده زمانی مقاله حاضر از اواخر سده ۱۹ تا پایان کاوش‌های اریک ف. اشمیت در اوایل دهه ۱۹۳۰ م/ ۱۳۱۰ ش است. این بازه زمانی در گزارش‌هایی که به مرور پیشینه باستان‌شناسی ری پرداخته‌اند، مغفول مانده یا گذرا به آن اشاره شده است؛ از جمله در Rante 2010 و 2015. برای آگاهی از فعالیت‌هایی که از دهه ۱۳۵۰ ش/ ۱۹۷۰ م به بعد توسط باستان‌شناسان ایرانی و غیرایرانی در ری صورت گرفته است نک. Rante 205: 32؛ فروند ۱۳۹۵: ۱۶-۲۲ (به ویژه بخش منابع) و کریمان ۱۳۴۵.

فرانسویان و هیأت باستان‌شناسی فرانسه در ری

با اینکه فرانسویان از سال ۱۸۹۵ م/۱۲۷۴ ش امتیاز انحصاری کاوش در سراسر ایران را در اختیار داشتند، اما عملاً منابع مالی و نیروی در اختیارشان امکان کاوش‌های گسترده در مناطق مختلف را به آنها نمی‌داد؛ از سوی دیگر از آنجا که به موجب فصل دوم امتیازنامه ۱۹۰۰ م/۱۲۷۹ ش تمامی یافته‌های به‌دست آمده از شوش سهم هیأت فرانسوی بود و کاوش‌های شوش مشمول قانون تقسیم یافته‌ها میان ایران و فرانسه نمی‌شد (کریم‌لو ۱۳۷۸: ۸۰)،^۱ طبیعتاً هیأت باستان‌شناسی فرانسه در ایران^۲ به صرف وقت و هزینه در سایر نقاط ایران و تقسیم یافته‌های حاصل از آنها با دولت ایران تمایلی نداشت اما در عین حال از حق انحصاری خود نیز سرسختانه دفاع می‌کرد. از این رو هیأت باستان‌شناسی فرانسه در ایران در عمل فعالیت‌های خود را عمدتاً در شوش متمرکز کرده بود (Chavelier 2012: 68). همان‌طور که در مقدمه گفته شد، حفاری‌های دیگری در اراضی شخصی یا اجاره‌ای در بسیاری مناطق از جمله منطقه ری و ورامین رواج داشت. این امر، هم موجب اعتراض فرانسویان بود - که حق هرگونه کاوش را در ایران از آن خود می‌دانستند - و هم محل اعتراض رقبای آنها که معتقد بودند فرانسویان بی‌جهت انحصار کاوش در سراسر ایران را در اختیار دارند در حالی که فقط به شوش مشغولند.^۳ در سال ۱۹۰۸ م/۱۲۸۷ ش ژاک دموورگان رئیس هیأت باستان‌شناسی فرانسه، ایران را ترک کرد و نهایتاً به سال ۱۹۱۲ م/۱۲۸۱ ش از ریاست این هیأت کناره گرفت (Chevalier 2009: 33; 2012: 68; Amiet 1994). دموورگان بر خلاف نظر وزارت معارف و هنرهای زیبای فرانسه^۴ - نهاد متولی و ناظر بر فعالیت‌های این هیأت - که منتقد تمرکز تمامی فعالیت‌های این هیأت در شوش بود و به بهره‌برداری تمام و کمال از امتیاز کاوش در

۱. مستثنی بودن شوش از قانون تقسیم یافته‌ها میان دو دولت در سال ۱۹۱۲ م/۱۲۹۱ ش - سال استعفای دموورگان از ریاست هیأت باستان‌شناسی فرانسه در ایران - برداشته شد (Nasiri-Moghaddam 2004: 292-295, 297-299).

2. Délégation archéologique française en Iran

۳. در این باره گزارش و دیدگاه امیل لوسونور، استاد مدرسه حقوق وزارت دادگستری که از اواخر ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۱ در ایران بود خواندنی است (لوسونور ۱۳۶۸: ۱۰۳). وسعت و دامنه کاوش‌های قاچاق و تجاری در ری چنان موجب نگرانی فرانسویان بود که دیپلمات‌های مقیم در تهران رولاند دومکنم را برای بررسی اوضاع این حفاری‌ها به تهران احضار کرده بودند (Boucharlat 2005: 440). شاید از این روی بود که در بستر رقابت‌های کشورهای مختلف در دهه‌های نخست سده بیستم برای حضور در عرصه فعالیت‌های باستان‌شناسی ایران، فردریش زاره در مقاله‌ای به سال ۱۹۱۳ م درباره سفال‌های اسلامی دپارتمان هنرهای اسلامی در مجموعه هنری سلطنتی، می‌نویسد: «جای تأسف دارد که فرانسه، که همچنان انحصارکاوش در ایران را در اختیار دارد، از این امتیاز خود برای پرداختن به ویرانه‌های اسلامی (ری) استفاده نمی‌کند و آنها همچنان در معرض تخریب و غارت دلالان محلی هستند» (Sarre 1913: 9(46), n. 1). موارد دیگری از انتقاد و اعتراض آلمان و انگلستان به کم و کیف فعالیت‌های باستان‌شناسی فرانسویان در ایران در اوایل سده بیستم در اسناد و منابع موجود است (Mousavi 2005: 452-454).

4. ministère de l'instruction publique et des beaux-arts

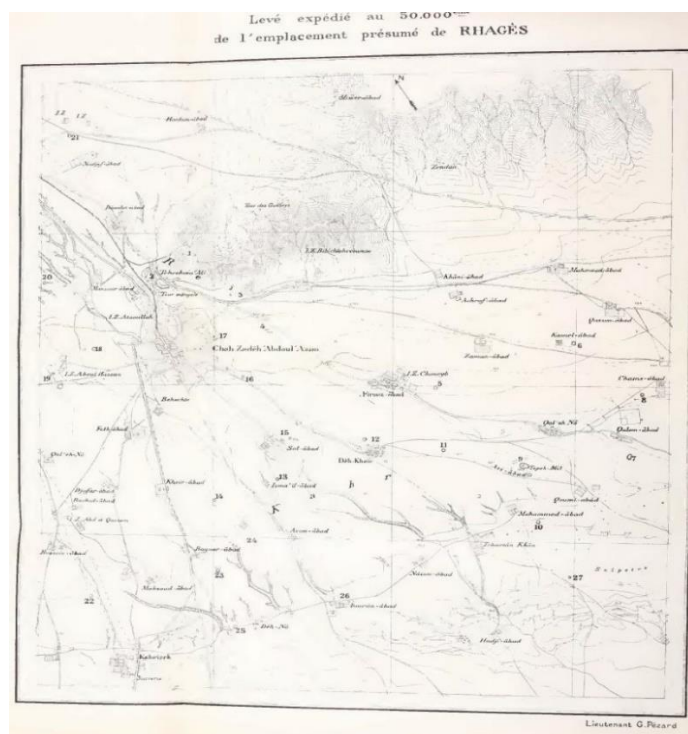
سرتاسر ایران علاقه‌مند بود، از این امر سرسختانه دفاع می‌کرد. با خروج دموگران از صحنه، دامنه فعالیت‌های باستان‌شناسی فرانسویان در ایران گسترده‌تر شد و فرانسویان دیگری از اعضای هیأت یا خارج از آن بیش از قبل به شناسایی و ارزیابی سایر مناطق ایران برای کاوش پرداختند (Chavelier 1989: 68; 2012: 245). به این ترتیب هنگامی که چارلز فوسه، استاد آشورشناسی کالج دوفرانس^۱ درخواست خود را برای کاوش‌هایی در نیمه شمالی ایران، به‌ویژه در همدان، به وزارت معارف و هنرهای زیبا ارائه داد، طرح او پذیرفته و فوسه به عنوان مأمور هیأت باستان‌شناسی فرانسه در ایران در نوامبر ۱۹۱۲م/۱۲۹۱ش، به سرپرستی کاوش در همدان منصوب شد. فوسه که کاوش در همدان را به دلیل شرایط آب و هوایی پاییز و زمستان عملی نمی‌دید، اجازه کاوش در ری را نیز تقاضا کرد تا در ادامه کاوش در همدان به آن مشغول شود (Chavelier 1989: 245-246). بنا بر این وی پس از پایان کاوش در همدان (از آوریل تا اکتبر ۱۹۱۳م/۱۲۹۲ش) به ری رفت (Chevalier 1989: 247, 250; Nasiri-Moghaddam 2002: 372). با این حال، سابقه حضور فرانسویان در منطقه ری به چهار سال پیش از این باز می‌گشت. از سپتامبر تا نوامبر ۱۹۰۹م/۱۲۸۸ش یک هیأت فرانسوی با عنوان هیئت اعزامی تهران،^۲ به سرپرستی ژرژ پزار و ژرژ بوندو، ذیل فعالیت‌های هیأت باستان‌شناسی فرانسه در ایران در محدوده ری و ورامین نیز مطالعه کرده بودند. در مقدمه گزارش مأموریت تهران آمده است که این هیأت دو هدف را دنبال می‌کند: نخست آنکه به جامعه علمی آن زمان (و البته دربار قاجار) نشان دهد هیأت باستان‌شناسی فرانسه در ایران به اهمیت باستان‌شناختی نیمه شمالی کشور بی‌توجه نیست و حق انحصاری هر گونه کاوش در ایران را برای خود محفوظ می‌دارد (نک. بالاتر)؛ و دیگر آنکه موقعیت دقیق ری باستان را در منطقه شناسایی کند (Pézar and Bondoux 1911: 51). فعالیت این هیأت معطوف به بررسی و شناسایی منطقه ری و ورامین و کاوش محدودی در تپه میل شد که نهایتاً به دلیل ناآرامی‌های محلی در پی انقلاب مشروطه در پایتخت و ادعای موقوفه بودن اراضی تپه میل (موقوفه حرم شاه عبدالعظیم) توسط اهالی ده‌خیر تاووم نیافت (Pézar and Bondoux 1911: 55; Nasiri-Moghaddam 2004: 182). پزار و بوندو گزارش این مأموریت را در چهارده صفحه در مجلد ۱۲ گزارش‌های هیئت اعزامی فرانسه به ایران^۳ منتشر کردند و بعدها دیگر گزارشی درباره این مأموریت منتشر نشد. گرچه مأموریت پزار و بوندو به زعم ایشان و فرانسویان منجر به کشف اشیاء یافته‌های

1. Collège de France

2. Mission de Téhéran

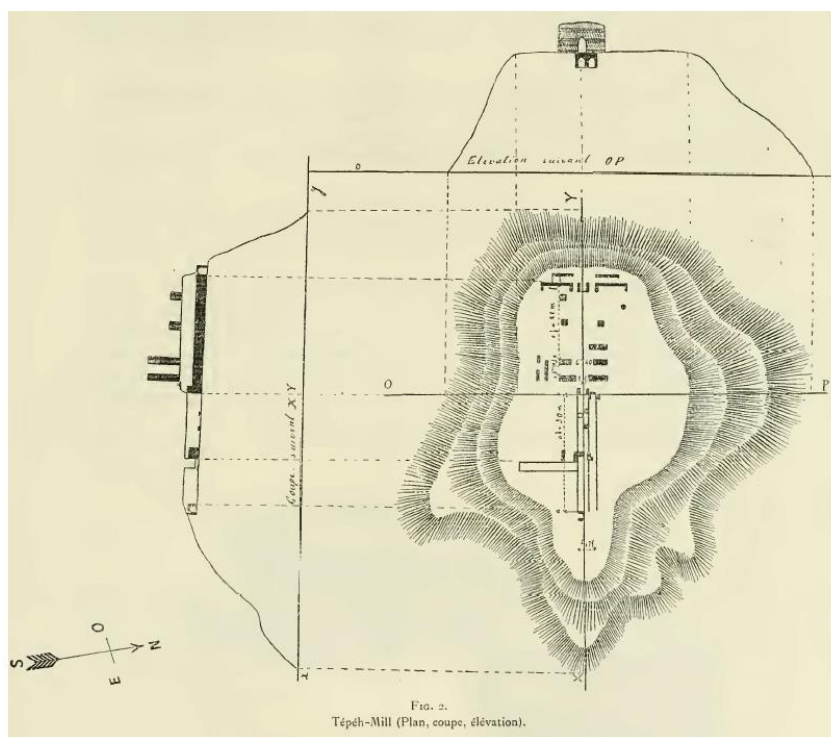
3. *Mémoires de la Délégation en Perse*

ارزشمند و قابل توجهی نشد، اما اسناد مربوط به این مأموریت نشان‌دهنده اهمیت باستان‌شناختی ری و ورامین بود. گزارش منتشر شده دربردارنده شرح مختصری از کاوش در تپه میل، که به باور یزار و بوندو مهم‌ترین محوطه در دشت شاه عبدالعظیم بود، بررسی ری و ورامین (Pézar and Bondoux 1911: 51-62) و همچنین دربردارنده دو نقشه از پراکندگی محوطه‌های شناسایی شده توسط این هیأت و نیز اولین نقشه توپوگرافی، پلان و مقطع تپه میل است (تصاویر ۱۱ و ۱۲). کار این هیأت رامی‌توان نخستین بررسی باستان‌شناسی دشت ری و ورامین با رویکردی علمی - البته در مقیاس آن دوره - دانست. از جمله نکته‌های حائز اهمیت این نقشه‌ها، جانمایی محوطه‌هایی مانند نظام‌آباد و چال ترخان - عشق‌آباد است که در دهه‌های بعد به سبب گنج‌بری‌های کشف شده در آنها مورد توجه قرار گرفتند. افزون بر این، این گزارش احتمالاً نخستین توصیف باستان‌شناختی از پراکندگی ویرانه‌های ری و به خصوص چشمه‌علی است که بیش از بیست سال بعد کانون فعالیت‌های اشمیت شدند.



تصویر ۱۱. نقشه بررسی دشت ری در سال ۱۹۰۹، تهیه شده توسط پزار و بندو (Pézard and Bondoux 1911: Map facing page 56).

یافته‌های حاصل از مأموریت پزار و بوندو به تعبیر آنها ارزش چندانی نداشت و در جعبه‌ای با برچسب D.S.P در مقر نمایندگی فرانسه در تهران^۱ گذاشته شد؛^۲ درباره تقسیم یافته‌های فعالیت‌های این هیأت در اسناد ایرانی و فرانسوی مربوطه گزارشی موجود نیست (Nasiri-Moghaddam 2004: 183).



تصویر ۱۲. پلان و مقطع تپه میل (Pézard and Bondoux 1911: 53, Fig. 2).

1. Legation de France à Téhéran

۲. پزار و بوندو در گزارش خود به قطعات گچ‌بری، سفال، قطعات مفرغی و آهنی و بیه سوزهای سفالی اشاره کرده‌اند (Pézard and Bondoux 1911: 54-55). آنها این یافته‌ها را به مقر نمایندگی فرانسه در تهران تحویل دادند. متأسفانه اطلاعاتی در باره سرنوشت این مجموعه به دست نیاورد.

هنگامی که فوسه در اواخر پاییز ۱۹۱۳ م/ ۱۲۹۲ ش به ری رسید، امیل وینیّه در ری مشغول کاوش تجاری از جانب برادرش چارلز وینیّه بود. چارلز وینیّه، ادیب، روزنامه‌نگار و مجموعه‌دار فرانسوی، در نخستین سال‌های سده بیستم وارد بازار پررونق خرید و فروش آثار هنری، به‌ویژه اشیاء هنری و عتیقه شرقی شد و در فاصله سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۴ م/ ۱۲۸۸ تا ۱۲۹۳ ش برادر خود امیل را برای کاوش‌های تجاری و کشف اشیاء عتیقه، به ویژه ظروف سفالی، به ایران فرستاده بود. امیل وینیّه از نوامبر ۱۹۱۳ تا احتمالاً تابستان ۱۹۱۴ م (۱۲۹۲-۱۲۹۳ ش) با اجازه زمینی در ری^۱ به کاوش تجاری در آنجا - که در آن زمان به سبب سفالینه‌های زیبای مکشوفه در ویرانه‌های گسترده‌اش شهرت یافته بود - مشغول بود. فوسه به وینیّه مشارکت در کاوش‌های ری را پیشنهاد کرد، اما از آنجا که فوسه به نوعی وابسته به دولت فرانسه و تابع قوانین مربوط به هیأت باستان‌شناسی فرانسه در ایران بود، وینیّه این پیشنهاد را نپذیرفت تا مجبور نشود طبق امتیازنامه سال ۱۹۰۰ م/ ۱۲۷۹ ش، کشفیات خود را با دولت ایران تقسیم کند (Nasiri- Moghaddam 2004: 274-277; 2006: 440-442). به این ترتیب فوسه کاوش‌های خود را در ری مستقل از وینیّه تا بهار ۱۹۱۴ م/ ۱۲۹۳ ش پیش برد. با آغاز جنگ جهانی اول در ژوئیه ۱۹۱۴ م/ مرداد ۱۲۹۳ ش فوسه به فرانسه بازگشت اما به جز نامه‌هایی که وی در شرح اقدامات خود در طول دوران مأموریتش به وزارت معارف و هنرهای زیبا ارسال کرده بود، گزارشی از کاوش‌های خود در ایران منتشر نکرد (Chevalier 1989: 250). جزئیات فعالیت‌ها و کاوش‌های تجاری امیل وینیّه نیز در ۱۲۲ نامه و ۲۵ تلگرامی که وی بین سال‌های ۱۹۱۱ و ۱۹۱۴ م/ ۱۲۹۰-۱۲۹۳ ش برای برادرش در پاریس فرستاده بود، منعکس شده است (Nasiri-Moghaddam 2004: 275). علاوه بر این گزارشی مختصر توسط چارلز وینیّه، البته نه درباره کم و کیف کاوش و یافته‌ها، بلکه با محوریت بررسی سفال‌های اسلامی مکشوفه از ری منتشر شده است (Vignier and Fry 1914).

در سال‌های ۱۹۱۱ و ۱۹۱۳ م/ ۱۲۹۰ و ۱۲۹۲ ش آنری ویوله، معمار و باستان‌شناس فرانسوی از سوی دولت فرانسه و ذیل برنامه هیأت باستان‌شناسی فرانسه در ایران، به سرپرستی یک مأموریت باستان‌شناسی در ایران به منظور پژوهش درباره خاستگاه هنر اسلامی و نیز شناسایی محوطه‌هایی جهت کاوش با هدف شناخت هنر اسلامی منصوب شد. ویوله طی دو مأموریت (ژانویه تا آوریل ۱۹۱۲ و ژوئن تا دسامبر ۱۹۱۳ م)

۱. اجازه زمین به منظور کاوش و مشارکت دادن صاحب زمین در آنچه از حفاریات بیرون می‌آمد، از اواخر سده ۱۹ در ایران امری معمول بود. نک. ملک شه‌میرزادی ۱۳۷۸: ۳۶-۳۵. در ماده ۱۳ قانون حفظ آثار عتیقه مصوب ۱۳۰۹ ش/ ۱۹۳۰ م نیز به این امر تصریح شده است.

۲. نک. یادداشت ۱۱.

از محوطه‌ها و آثار تاریخی زیادی در سرتاسر ایران بازدید و از بسیاری از آنها عکس و پلان تهیه کرد (Viollet 1914; Nasiri-Moghaddam 2004:187-189, 215-218). در خلال مأموریت سال ۱۹۱۲ م/۱۲۹۰-۱۲۹۱ ش، وی از ویرانه‌های ری و تپه میل نیز بازدید کرد و تعدادی پلان و عکس از آن برداشت (تصاویر ۱۳-۱۴). اسناد رسمی مربوط به این دو مأموریت در آرشیو ملی فرانسه^۱ و مجموعه اسناد سفرهای ویوله شامل پلان‌ها، یادداشت‌ها، نامه‌ها، گزارش‌ها و عکس‌های مربوط به مأموریت‌های ویوله از سال ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۳ م/۱۲۸۳ تا ۱۲۹۲ ش در عراق و ایران از جمله پلان‌ها و عکس‌های تپه میل، در مؤسسه مطالعات ایرانی^۲ (در پاریس) نگهداری می‌شود و بیش از ۹۰۰ عکس او در پایگاه کتابخانه این مؤسسه به صورت آنلاین قابل مشاهده و دسترسی است.^۳

نخستین کاوش‌های علمی در تپه چشمه علی نیز در همین دوران و بنا به گفته رولاند دومکنم توسط «همکاران او» در سال‌های ۱۹۱۳-۱۹۱۲ م/۱۲۹۲-۱۲۹۱ ش انجام شد. متأسفانه دومکنم در گزارش خود مشخصاً از نام این همکاران، که احتمالاً از اعضای هیأت باستان‌شناسی فرانسه در ایران بودند، یاد نکرده است. البته دومکنم پیش از این و در سال ۱۹۰۳ م/۱۲۸۲ ش چشمه علی را شناسایی کرده بود (1928: 116 de Macquenem). پزار و بندو نیز در گزارش بررسی خود به آن اشاره کرده‌اند (de Macquenem 1928: 115ff; Pezard and Bondoux 1911: 56). با اینکه در بسیاری از گزارش‌ها و یادداشت‌ها، ژاک دموگران نخستین کاوشگر تپه میل و چشمه علی معرفی شده است (برای نمونه اسفندیاری ۱۳۷۸: ۱، ۱۷؛ فاضلی و ولایتی ۱۳۹۳؛ مقدم ۱۳۹۹؛ Vanden Bergh 1959: 13; Fazeli, Coningham and Batt 2004:120-121)، اما همان‌طور که پیشتر اشاره شد دموگران از ۱۹۰۸ م/۱۲۸۷ ش دیگر در ایران نبود و در ۱۹۱۲ م/۱۲۹۱ ش نیز از سمت خود نیز کناره‌گیری کرده و دومکنم و ژان-ونسان شیل به طور مشترک مسؤول سرپرستی هیأت باستان

1. Archives Nationales de France, Paris, dossier H. Viollet, F/17/17292. (2° Mission scientifique en Perse dans le Khorāçān et le Seïstan à l'effet d'y poursuivre des recherches archéologiques sur les origines de l'art musulman (associé pendant la durée de sa mission à la Délégation scientifique en Perse). 1911; 3° Mission en Perse à l'effet d'y poursuivre des recherches archéologiques et notamment d'y faire le relevé des fouilles nouvelles qui pour-raient y être entreprises au point de vue de l'art musulman. 1913).

https://www.siv.archives-nationales.culture.gouv.fr/siv/IR/Fran_IR_000551

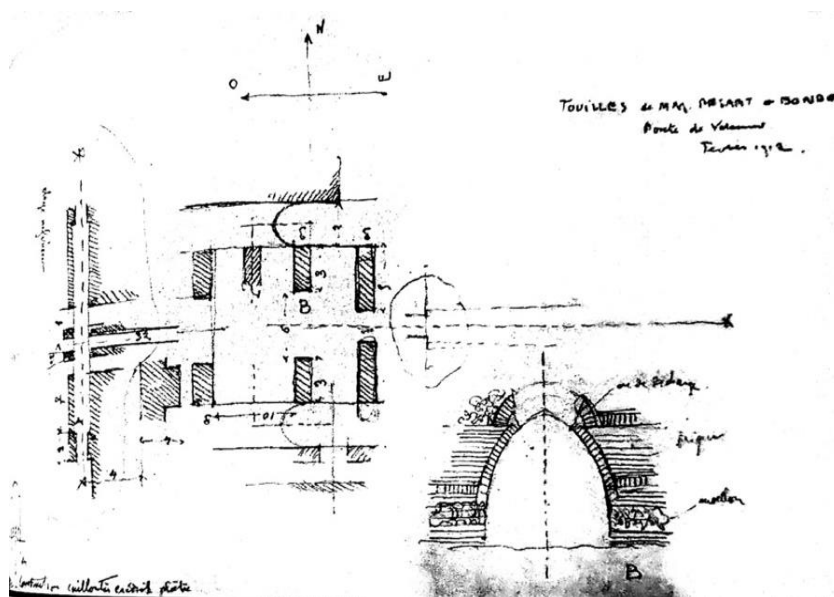
2. Institut d'Études Iraniennes

3. Fonds Viollet, Sorbonne Nouvelle (Paris III), UFR – Monde Arabe, Institut d'Études Iraniennes. <http://bina.bulac.fr>

برای شناخت بهتر در مورد مأموریت‌های ویوله و اسناد آن نک.

Fromanger 2002; 2004

شناسی فرانسه در ایران شده بودند (Amiet 1997; Martinez-Sève 2004; Chevalier 1989: 246) و نخستین کاوش در تپه میل نیز در سال ۱۹۰۹ م/ ۱۲۸۸ ش توسط پزارو و بندو انجام شده بود.



تصویر ۱۳. پلان و نمایی از بقایای تپه میل به سال ۱۹۱۲، تهیه شده توسط آنری ویوله (Fromanger 2004, vol. 1: 248; قابل مشاهده و دسترسی در <https://irangazetteer.humspace.ucla.edu/catalogue/tepe-mil-#/> (تپه-میل/



تصویر ۱۴. عکسی از بقایای تپه میل به سال ۱۹۱۲، از آنری ویوله (قابل مشاهده و دسترسی در

<https://bina.bulac.fr/s/bina/ark:/73193/bpzh84>

به گفتهٔ دومکنم، ام. دایت کاردار نمایندگی فرانسه در ایران نیز در سال ۱۹۲۴م/۱۳۰۳ش در چشمه علی کارهایی کرده بود (همانجا). دومکنم هم مجدداً به روایت خودش، در ۱۹۲۵م/۱۳۰۴ش چند روزی را در چشمه علی گذراند و مجموعه‌ای از سفال‌های آنجا را جمع‌آوری کرده و به موزه لوور سپرد (همانجا).^۱ به نظر می‌رسد گزارش مبسوطی از هیچ یک از این کاوش‌ها منتشر نشده است.

با اینکه در اسناد و گزارش‌های پیش‌گفته توضیح مشخصی دربارهٔ سرنوشت یافته‌های کاوش‌های نخست در تپه میل و چشمه علی و ... در ری نیامده است، اما قاعدتاً هر آنچه از نظر این کاوشگران ارزشمند بوده و سهم دولت فرانسه می‌شده، به فرانسه ارسال و قاعدتاً به موزه لوور منتقل می‌شد. مابقی اشیا نیز

1. <https://collections.louvre.fr/en/recherche?q=Tchechme+Ali>

چنانچه به دولت ایران تحویل داده شده بود (؟) در موزه معارف نگهداری و بعدها با بنیان موزه ایران باستان در سال ۱۳۱۶ش به آنجا منتقل شد؛ گرچه اسناد روشنی در این باره در دست نیست.^۱

میراث هرتسفلد

دهه ۱۹۲۰ شاهد تحولات چشمگیری در تاریخچه باستان‌شناسی در ایران بود. در پی انقلاب مشروطه (۱۹۰۶م/۱۲۸۵ش) و با رشد ملی‌گرایی و بالندگی تحصیل‌کردگان ایرانی، مسأله پایان دادن به انحصار انجام فعالیت‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی توسط فرانسویان و غارت موارث ملی ایران، به دغدغه‌ای مهم بدل شده بود. در سطح داخلی، ملی‌گرایان با اهداف ملی‌گرایانه در پی تحقق این امر و تدوین نظامی مدون و ملی برای حفاظت از موارث ملی و اداره امور باستان‌شناسی ایران بودند. در سطح بین‌المللی سایر کشورها، به ویژه آلمان و آمریکا که با اعطای امتیاز انحصاری کاوش‌ها به فرانسه در ۱۸۹۵م/۱۲۷۴ش توسط ناصرالدین شاه و سپس در ۱۹۰۰م/۱۲۷۹ش توسط مظفرالدین شاه قاجار^۲ عملاً دستشان از باستان‌شناسی ایران کوتاه شده بود، پایان انحصار فرانسویان را فرصتی مغتنم برای حضور خود در عرصه باستان‌شناسی ایران می‌دانستند و از این رو همراه با اقدامات داخلی ملی‌گرایان در تکاپو بودند. سرانجام با روی کار آمدن سلسله پهلوی (۱۹۲۵-۱۹۷۹م/۱۳۰۴-۱۳۵۷ش) و اوج‌گیری ملی‌گرایی در سطحی رسمی و حکومتی، در سال ۱۹۲۷م/۱۳۰۶ش امتیاز انحصار حفاری فرانسویان لغو شد (ملک شه میرزادی ۱۳۷۸: ۴۱).

باستان‌شناس آلمانی ارنست هرتسفلد از جمله افرادی بود که در سال‌های میانه دهه ۱۹۲۰م نقش پررنگی در باستان‌شناسی ایران بازی کرد. هرتسفلد که در آن زمان استاد دانشگاه برلین و از برجسته‌ترین محققان باستان‌شناسی خاور نزدیک و ایران بود، از آوریل سال ۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش با سمت مشاور امور باستان‌شناسی و عتیقات به استخدام دولت ایران درآمد (Hauser 2003). بیش از آن، هرتسفلد از طرف دولت ایران مأمور بررسی و شناسایی محوطه‌های باستانی مهم ایران شده و از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۵م/

۱. اشاراتی به سابقه تشکیل نخستین موزه ملی ایران در مقاله مبسوط محمدتقی مصطفی با نام "تلاش در راه خدمت به آثار ملی و امید به آینده" آمده است (مصطفوی ۱۳۳۴: ۳۳۸ به بعد).

۲. مدت اعتبار امتیاز سال ۱۹۰۰م/۱۲۷۹ش، ۶۰ سال تعیین شده بود. درباره تاریخچه حضور فرانسویان در عرصه باستان‌شناسی ایران و نیز این امتیازها نک. ملک شه میرزادی ۱۳۷۸: ۴۵-۳۶؛ کریم‌لو ۱۳۷۸: ۴۰۳، ۸۱-۷۹؛ Chavelier 2009: 29ff.

۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴ ش به نقاط مختلف ایران سفر کرده بود.^۱ در یکی از این سفرها در سال ۱۹۲۵ م/ ۱۳۰۴ ش و در جریان شناسایی اطراف تهران، هرتسفلد از وجود قطعاتی از گچ‌بری - که آنها را به سده ۶م تاریخ‌گذاری کرد - و صدها سفال‌نوشته به خط پهلوی حاصل از حفاری‌های قاچاق در منطقه ری و ورامین مطلع شد (Herzfeld 1926: 283). هرتسفلد در قالب نامه‌هایی مفصل، از ژوئن تا سپتامبر ۱۹۲۵ م/ ۱۳۰۴ ش، گزارشی را درباره کاوش‌های قاچاق در محوطه‌ای موسوم به نظام‌آباد (در جنوب ری) همراه با عکس و طرح گچ‌بری‌های مکشوفه برای فردریش زاره فرستاد. نارضایتی صاحب زمین از این یافته‌های به گمان وی بی‌ارزش، حضور هرتسفلد در تهران در این هنگام و ارتباط او با زاره موجب شد امکان خرید آنها برای بخش اسلامی موزه برلین توسط زاره فراهم شود. بر اساس نامه‌های هرتسفلد، ظاهراً دومکنم نیز متقاضی خرید گچ‌بری‌ها از مالک بود اما مبلغ پیشنهادی وی بسیار ناچیز بود و نهایتاً معامله به نفع هرتسفلد تمام شد. زاره مبلغ مورد نظر مالک را برای هرتسفلد فرستاد و بخش عمده‌ای از گچ‌بری‌های مکشوفه توسط هرتسفلد در تهران خریداری و در نه جعبه چوبی بسته‌بندی و در سال ۱۹۲۸ م/ ۱۳۰۷ ش به برلین فرستاده شد (Kröger 2005: 65 and footnote 64). این مجموعه (شامل ۵۶ قطعه) اکنون در موزه هنر اسلامی برلین^۲ نگهداری می‌شود (تصویر ۱۵ الف - ه).^۳ با این حال، به گفته کروگر چهار قطعه گچ‌بری از این محوطه نیز توسط دومکنم به لوور برده شد. موزه ملی ایران و موزه هنر متروپولیتن نیز مالک تعدادی از گچ‌بری‌های نظام‌آباد هستند (کروگر ۱۳۹۶: ۲۲۳ و ۲۲۵).

۱. در همین رابطه و به درخواست انجمن آثار ملی، هرتسفلد فهرستی از بناهای تاریخی ایران را تهیه کرده بود که در شماره اول نشریه این انجمن به سال ۱۳۰۴ ش منتشر شد (مصطفوی ۱۳۳۴: ۴۰۲).

2. Museum für Islamische Kunst

3. http://www.smbdigital.de/eMuseumPlus?service=RedirectService&sp=Scollection&sp=SfieldV&sp=0&sp=3&sp=3&sp=Slightbox_3x4&sp=0&sp=Sdetail&sp=0&sp=F



هرتسفلد گچ‌بری‌های نظام‌آباد را طراحی و مستند کرد، اما این آثار به صورت مبسوط و منسجم توسط هرتسفلد مطالعه و منتشر نشدند. آرشیو اسناد هرتسفلد (شامل یادداشت‌ها، مکاتبات، طراحی‌ها، نقشه‌ها، نگاتیوها، عکس‌ها و ... از مأموریت‌های وی در سامرا، تخت‌جمشید، پاسارگاد، پایکولی، حلب و ...)، که اکنون در آرشیو موزه ملی هنر آسیایی^۱ مؤسسه اسمیتسونین^۲ در واشنگتن نگهداری می‌شود،^۳ دربردارنده تعدادی از یادداشت‌ها، عکس‌ها و طرح‌های هرتسفلد از این گچ‌بری‌ها و سایر مواد فرهنگی است. دفترچه طراحی شماره ۲۷ هرتسفلد متضمن طرح‌های او از گچ‌بری‌های نظام‌آباد است (تصویر ۱۶ الف - ب). بیشترین اطلاعات درباره گچ‌بری‌های نظام‌آباد بعدها توسط کروگر منتشر شد (کروگر ۱۳۹۶: ۲۲۳-۲۸۲).



تصاویر ۱۶ الف - ب: نمونه‌هایی از طراحی‌های هرتسفلد از گچ‌بری‌های مکشوفه در نظام‌آباد، دفترچه طراحی XXVII؛ قابل مشاهده و دسترسی در

https://edan.si.edu/slideshow/viewer/?damspath=/Public_Sets/FS/FSA/FSA_A.06_02.12.27

1. National Museum of Asian Art

2. Smithsonian Institution

۳. هرتسفلد این اسناد را در سال ۱۹۴۶م به این مؤسسه سپرد. فرایند کاتالوگ و دیجیتال کردن این مجموعه از سال ۲۰۰۹م آغاز شد و اکنون تمام اسناد آرشیو هرتسفلد به صورت دیجیتال در دسترس و قابل استفاده است:

<https://asia.si.edu/research/archives/herzfeld/>

سفال‌نوشته‌های نظام‌آباد نیز، شامل ۱۹۰ قطعه، در سال ۱۹۵۴م/۱۳۳۳ش از جانب هرتسفلد و به واسطه مؤسسه اسمیتسونین به موزه بریتانیا^۱ فروخته شد (Kröger 2005: 65).^۲ در سال ۱۹۵۷م ژان پیر دو مناش کاتالوگ سفال‌نوشته‌های نظام‌آباد را در جلد چهارم بخش سوم *Corpus Inscriptionum Iranicarum* منتشر کرد (de Menasce 1957) و سپس در سال ۱۹۹۲م دیتر وبر متن آنها را قرائت و منتشر نمود (Weber 1992). محتوای این سفال‌نوشته‌ها درباره امور مرتبط با تحویل و توزیع اقلام زراعی است.^۳

اشمیت و هیأت مشترک اعزامی به ایران

تاریخچه باستان‌شناسی ری بیش از هر کس با نام اریک ف. اشمیت گره خورده است. با پایان یافتن انحصار کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران در سال ۱۹۲۹م/۱۳۰۸ش، امریکا از نخستین کشورهایی بود که ایران را پهنه مناسبی برای حضور فعالیت‌های باستان‌شناسی نهادهای دانشگاهی و موزه‌های خود یافت. هیأت مشترک اعزامی ایران به سرپرستی اشمیت و تحت حمایت موزه دانشگاه پنسیلوانیا در فیلادلفیا^۴ و بعدتر مؤسسه امریکایی باستان‌شناسی و هنر ایران^۵ فعالیت‌های خود را در ایران از سال ۱۹۳۱م/۱۳۱۰ش با کاوش در تپه حصار دامغان، که دو فصل به طول انجامید، آغاز کرد (Schmidt 1933: 303). دو سال پس از پایان کاوش‌ها در تپه حصار (۱۹۳۱-۱۹۳۲م/۱۳۱۰-۱۳۱۱ش)، هیأت مشترک اعزامی به ایران به سرپرستی اشمیت کار در منطقه ری را آغاز کرد. شروع این مأموریت جدید در شماره اکتبر ۱۹۳۳م/۱۳۱۲ش بولتن موزه دانشگاه پنسیلوانیا اعلام شد (A New Expedition to Persia 1933: 140). این برنامه به طور مشترک از حمایت مالی و اداری موزه دانشگاه پنسیلوانیا و موزه

1. British Museum

2. https://www.britishmuseum.org/collection/search?object=ostracon&place=Tehran%20%28province%29&view=grid&sort=object_name__asc&page=1

۳. علاوه بر نظام‌آباد، همان طور که در ادامه خواهد آمد، کاوش‌های اشمیت در محوطه چال‌ترخان-عشق‌آباد منجر به کشف مجموعه‌ای از سفال‌نوشته‌ها شد. در کاوش‌های سال ۱۳۷۸ در تپه میل نیز ۱۲ قطعه سفال نوشته پهلوی به دست آمد (بشاش ۱۳۸۳).

4. Pennsylvania University Museum, Philadelphia

نام این موزه بعدها به موزه باستان‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه پنسیلوانیا (Museum of Archaeology and Anthropology University of Pennsylvania) تغییر کرد.

5. American Institute for Persian Art and Archaeology

این مؤسسه توسط آرتور اوپهام پوپ در سال ۱۹۲۸م/۱۳۰۷ش تأسیس شده بود و بعدها به مؤسسه آسیایی تغییر نام داد. این مؤسسه از میانه دهه ۱۹۶۰م/۱۳۴۰ش به عنوان نهادی وابسته به دانشگاه شیراز (دانشگاه پهلوی سابق) تا سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۷ش فعال بود (Frye 2012).

هنرهای زیبای بوستون^۱ بهره‌مند بود،^۲ و البته همانند برنامه تپه حصار از حمایت مالی سخاوتمندانه حامی اصلی برنامه، بانو ویلیام بویس تامپسون (از طریق بنیادی به نام وی در موزه دانشگاه پنسیلوانیا) بهره‌مند بود.

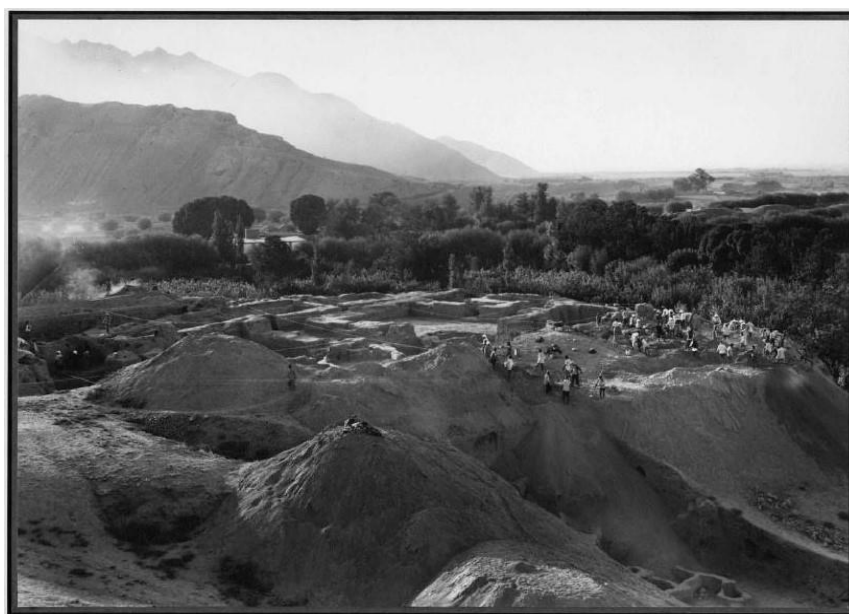
فعالیت‌های باستان‌شناسی اشمیت در منطقه ری در ماه مارس سال ۱۹۳۴م/۱۳۱۳ش شروع شد و تا پاییز ۱۹۳۶م/۱۳۱۵ش ادامه داشت (Schmidt 1940: 29-33). در یاد کردن از اهمیت باستان‌شناختی ری، به وجود یک تپه عظیم پیش از تاریخی (چشمه‌علی)، سابقه ری در منابع تاریخی به عنوان شهری از دوره ماد، توقف اسکندر در این شهر، سنگ‌نگاره محو شده ساسانی و سفال‌های اسلامی فاخر مکشوفه در منطقه ری اشاره شده و در شرح دامنه این مأموریت چنین آمده است: «نه تنها شهر بارودار ری به مساحت چهارده مایل مربع (حدود ۳۶ کیلومتر مربع)، بلکه تمام دره شاه عبدالعظیم با وسعتی در حدود ۵۰ مایل مربع (حدود ۱۳۰ کیلومتر مربع) در حوزه مأموریت هیأت قرار دارد» (A New Expedition to Persia 1933: 142).

مأموریت اشمیت در ری در اواخر ماه مارس ۱۹۳۴م/۱۳۱۳ش با بررسی و شناسایی عمومی بقایای باستانی منطقه و کاوش در محدوده شهر کهن ری (ارگ یا Citadel و شارستان یا Government Quarter و نواحی مسکونی شهر در مجاورت زیارتگاه بی‌بی زبیده)، قلعه گبری، تپه چشمه‌علی و آرامگاه‌های کوه تقاره‌خانه و امین‌آباد به مدت هفت ماه در فصل اول تا ماه اکتبر ۱۹۳۴م/۱۳۱۳ش ادامه یافت (Rayy Excavation Log Book-1934 Season: 1-40; Schmidt 1935a; 1935b). در فصل اول کاوش مختصری هم در تپه‌ای موسوم به مرتضی‌گرد در نزدیکی چشمه‌علی انجام شد (Schmidt 1935b: 140; Rayy Excavation Log Book-1934 Season: 20ff) و در پایان فصل، در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۳۴م/۱۳۱۳ش یافته‌ها تقسیم شد (Rayy Excavation Log Book-1934 Season: 42). در فصل دوم که در اواسط ماه می ۱۹۳۵م/

1. Boston Museum of Fine Arts

۲. در این دوره از فعالیت‌های هیأت مشترک اعزامی به ایران، مؤسسه آمریکایی باستان‌شناسی و هنر ایران به واسطه کمک مالی بانو کریستین ر. هولمز حامی مالی و اداری فعالیت هیأت مشترک اعزامی به ایران در لرستان با مأموریت هیأت هلمز در لرستان بود. نیمی از هزینه‌های این مأموریت توسط بانو هولمز و نیم دیگر توسط بودجه مأموریت ری در ۱۳۱۴م/۱۹۳۵ش و تخت جمشید در ۱۹۳۸م/۱۳۱۷ش تأمین شد. بانو ویلیام بویس تامپسون به موزه دانشگاه پنسیلوانیا این اجازه را داده بود که نخست با همراهی موزه هنرهای زیبای بوستون و سپس مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو در هر دو مأموریت هیأت هلمز در لرستان مشارکت کند. در فصل دوم مأموریت لرستان موزه هنرهای زیبای بوستون تعهد مالی و سهم خود از یافته‌ها را به دانشگاه شیکاگو واگذار کرد. یافته‌های حاصل از کاوش‌ها و بررسی‌های این هیأت نیز میان موزه ایران باستان در تهران، موزه هنر متروپولیتن در نیویورک، مؤسسه آمریکایی باستان‌شناسی و هنر ایران در نیویورک، مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو و موزه دانشگاه پنسیلوانیا تقسیم شد (Schmidt, van Loon and Curvers 1989: xv, 527).

۱۳۱۴ش شروع شد، کاوش‌ها در شهر اسلامی (ارگ، شارسرستان و محدوده موسوم به باغ ابوالفتح‌زاده) و چشمه علی تا اوایل اکتبر/مهر ادامه یافت (Rayy Excavation Log Book-1935 Season: 1-63). فصل سوم کاوش هیأت مشترک اعزامی به ایران در ری نیز در اواخر ماه مارس ۱۳۱۵/م ۱۹۳۶ش با کاوش در نقاره‌خانه شروع شد؛ کاوش‌ها در محدوده شهر کهن ری (ارگ، شارسرستان و محدوده موسوم به حسین‌آباد) و چشمه‌علی نیز تداوم یافت (تصاویر ۱۷ - ۲۰).^۱

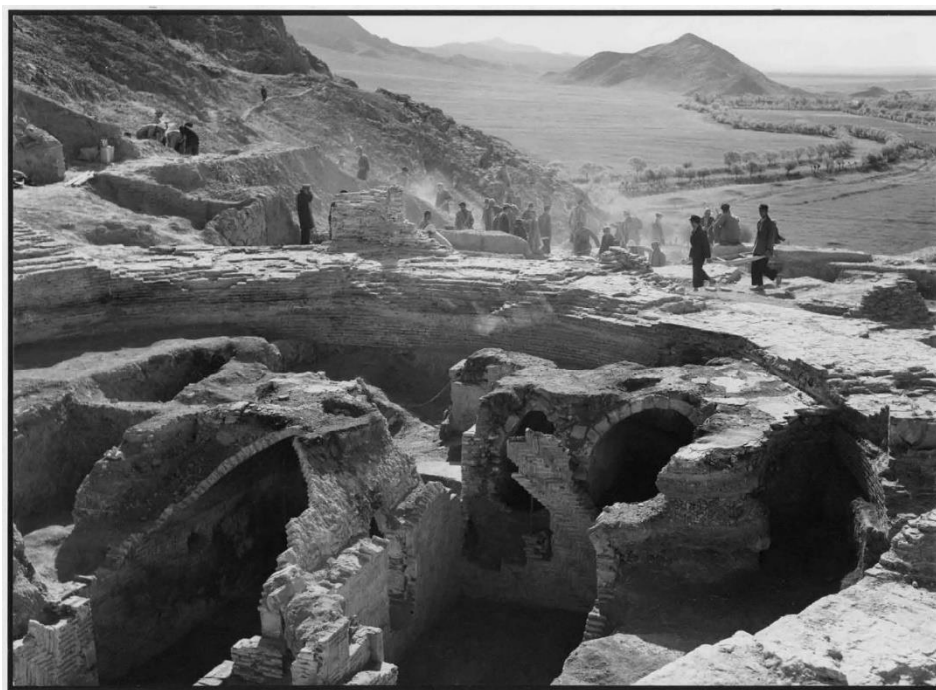


تصویر ۱۷. کاوش هیأت اشمیت در چشمه‌علی (Schmidt 1942: Photo 6)

۱. دور بعدی پژوهش‌های باستان‌شناسی در چشمه علی در سال ۱۳۷۶/م ۱۹۹۷ش توسط هیأت مشترک ایرانی-بریتانیایی انجام شد (Fazeli, Coningham and Batt 2004).



تصویر ۱۸. کاوش هیأت اشمیت در نقاره‌خانه (از آرشیو مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو منتشر شده در Holod
(2019: Fig. 11.14)



تصویر ۱۹. کاوش هیأت اشمیت در نقاره‌خانه (Schmidt 1942: Photo 22)

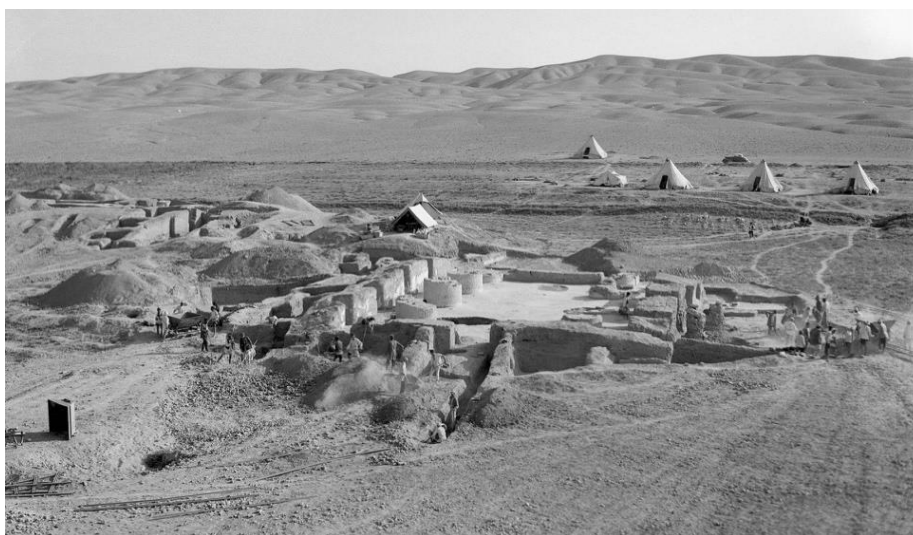


تصویر ۲۰. کاوش هیأت اشمیت در نقاره‌خانه (Schmidt 1942: Photo 15; Schmidt 1940: Pl. 36)

در همین فصل (از اواخر ژوئن تا اواسط آگوست/خرداد تا مرداد) اشمیت در محوطه چال‌ترخان-عشق‌آباد در ۶ کیلومتری جنوب تپه میل نیز کاوش کرد (Rayy Excavation Log (۲۲).^۱ پیش از کاوش اشمیت، چال‌ترخان نیز مانند بسیاری از دیگر محوطه‌های منطقه توسط کاوشگران غیرمجاز آسیب فراوان دیده بود. آنچه موجب توجه حفاران به این محوطه شده بود، گچ‌بری‌های زیبایی بود که زمانی مجموعه ساختمانی متعلق به دوران اواخر ساسانی - اوایل اسلامی واقع در این محوطه را می‌آراست. به این ترتیب در دهه ۱۹۲۰ م/دهه ۱۳۰۰ ش صفحاتی از این گچ‌بری‌ها توسط گروهی از حفاران قاچاق از این محوطه و نظام‌آباد (نک. بالا) بیرون آورده شده و به فروش رفته بود. ظاهراً چند قطعه از این

۱. اشمیت به دلیل اشتغال در تخت جمشید و ری، کاوش‌های چال‌ترخان-عشق‌آباد را عملاً به دستیارش جورج سی. مایلز سپرده بود و گزارش روزانه روند کاوش و کاتالوگ یافته‌های چال‌ترخان نیز توسط مایلز تنظیم و نگاشته شده است (Miles in Thompson 1976: ix).

سری به موزه هنر پنسیلوانیا راه یافته بود و همین امر توجه اشمیت را به این محوطه که در محدوده فعالیت‌های وی بود جلب کرد (Herrmann 1978: 406; Thompson 1976: xi).

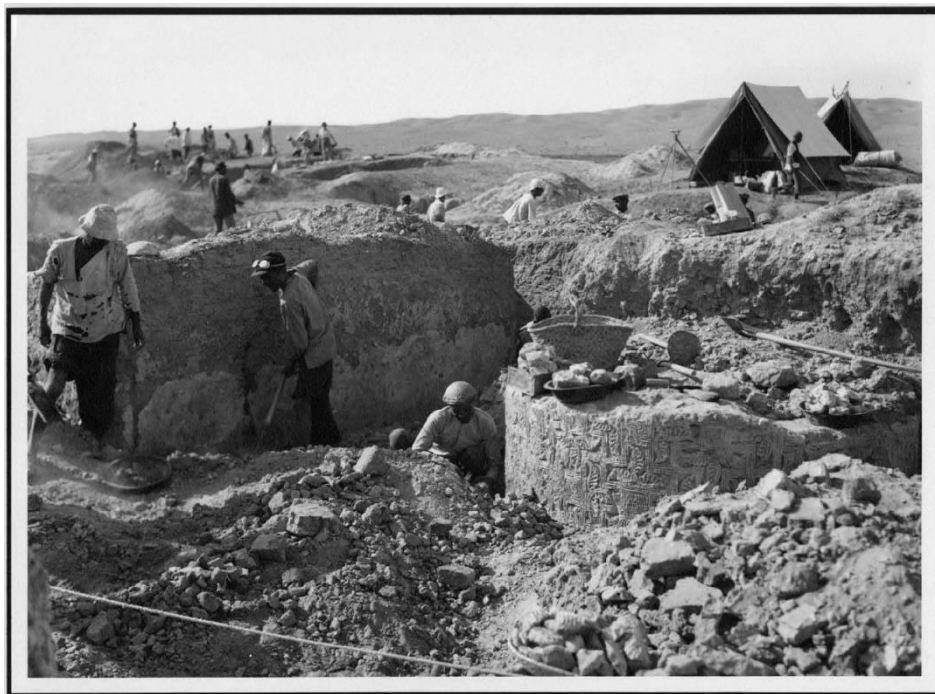


تصویر ۲۱. کاوش هیأت اشمیت در چال‌ترخان (از آرشیو مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو منتشر شده در Holod (2019: Fig. 11.S41

با انتصاب اشمیت به سرپرستی کاوش‌های مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو^۱ در تخت‌جمشید در ژانویه ۱۹۳۵ م/ ۱۳۱۳ ش (به جای هرتسفلد) و در حالی که مأموریت ری همچنان ادامه داشت، وی در پی دریافت اجازه انجام فعالیت‌های باستان‌شناسی در لرستان نیز بود. صدور اجازه مأموریت در لرستان مشروط به خاتمه دادن هر چه زودتر به مأموریت ری شد و رشته حوادثی در ۱۹۳۶ م/ ۱۳۱۵ ش سرانجام منجر به تحقق نهایی این شرط و خاتمه حضور اشمیت در ری گشت (Goode 2007: 169, 174).

1. Oriental Institute of the University of Chicago

نام این مؤسسه از سال ۲۰۲۳ به Institute for the Study of Ancient Cultures تغییر یافت. به سبب آشنایی خوانندگان ایرانی با نام پیشین این مؤسسه، در این مقاله همچنان از آن با عنوان مؤسسه شرق‌شناسی یاد شده است.



تصویر ۲۲. کاوش هیأت اشمیت در چال ترخان (Schmidt 1942: Photo 17)

با اینکه انتشار زود هنگام نتایج فعالیت‌های باستان‌شناسی، یکی از ویژگی‌های حرفه‌ای مثبت شناخته شده اشمیت بود (Balcer 1991: 153)، نتایج تفصیلی کاوش‌های وی در ری و چال ترخان-عشق‌آباد به جز چند خبر، گزارش و یادداشت کوتاه (Schmidt 1935a; 1935b; 1935c; 1936a; 1936b; 1940: 29-33; 1942; Museum Bulletin 1934-1935: V/2, V/3, V/4)، هرگز توسط وی منتشر نشد؛ این امر طبیعتاً تا حد زیادی به دلیل اشتغال هم‌زمان وی به کاوش‌های تخت جمشید از ژانویه ۱۹۳۵ تا اکتبر ۱۹۳۹/م ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۸ ش و نیز مأموریت هیأت هلمز در لرستان^۱ در ۱۹۳۵ و ۱۹۳۸/م ۱۳۱۴ و ۱۳۱۷ ش هم‌زمان یا اندکی پس از کاوش‌های ری بود (Balcer 1991: 157). گزارش فعالیت‌های اشمیت در تخت جمشید و سایر محوطه‌های این محدوده در چهار مجلد (Schmidt 1939; 1953; 1957; 1970) منتشر شد. اولین جلد در

1. The Holmes Expeditions to Luristan

آخرین سال مأموریت وی در تخت‌جمشید و آخرین آن زمانی منتشر شد که اشمیت دیگر در قید حیات نبود. به این ترتیب به نظر می‌رسد تمرکز بر انتشار کاوش‌های قبلی در آناتولی و تپه حصار^۱ و انتشار نتایج بررسی‌های هوایی سال‌های ۱۳۱۴/م تا ۱۳۱۶/م (Schmidt 1940) که اهمیت خاصی برای اشمیت داشت و هم‌زمانی سه برنامه میدانی، فرصتی برای او باقی نگذاشت تا گزارش کاوش‌های ری را پس از پایان این مأموریت منتشر کند و با توجه به جایگاه خاص فعالیت‌های باستان‌شناسی تخت‌جمشید در بستر تاریخی و سیاسی آن روزگار، عمده تلاش وی از سال ۱۳۱۸/م تا ۱۳۱۹/م به بعد بیشتر معطوف به مطالعه و انتشار نتایج مأموریت تخت‌جمشید شد. با اینکه تقاضا برای انتشار کاوش‌های ری وجود داشت اما مرگ اشمیت در سال ۱۳۴۳/م مانع از تحقق این خواسته شد. گزارش مأموریت هیأت هلمز نیز با تأخیر قابل توجه در سال ۱۳۶۸/م بر اساس اسناد اشمیت، توسط ون لون و کوروس (Schmidt, van Loon and Curvers 1989) انتشار یافت.

اسناد کاوش‌های اشمیت در ری (گزارش‌ها، یادداشت‌های روزانه، نامه‌ها، نقشه‌ها، عکس‌ها، نگاتیوها، طرح‌ها و) در مخازن و آرشیوهای مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو و موزه دانشگاه پنسیلوانیا نگهداری می‌شوند (Treptow 2007: 15, 18; Matney 1995: 26).^۲ شایان ذکر است آرشیو مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو افزون بر اسناد مربوط به کاوش‌های ری، محل نگهداری اسناد و مدارک مربوط به سایر کاوش‌ها و مأموریت‌های اشمیت از جمله در تخت‌جمشید و لرستان و بررسی هوایی او نیز هست؛ بخشی از اسناد این مأموریت‌ها و تمامی اسناد مربوط به تپه حصار نیز در آرشیو موزه دانشگاه پنسیلوانیا نگهداری می‌شود.^۳

۱. گزارش کاوش‌های تپه حصار با فاصله چندساله پس از پایان برنامه منتشر شد (Schmidt 1937).

2. <https://oi-idb.uchicago.edu/id/0ef0cb3f-5c92-4115-831b-354185bd81e1>

(Schmidt, E. F. "Rayy Excavation Report I – May 1934. Manuscript housed in the Archives of the Oriental Institute; Schmidt, E. F. "Rayy Excavation Report II – August 1934. Manuscript housed in the Archives of the Oriental Institute; Schmidt, E. F. "Rayy Excavation - Season 1935." Manuscript housed in the Archives of the Oriental Institute; Schmidt, E. F. "Rayy Spring Season 1936." Manuscript housed in the Archives of the Oriental Institute).

<https://www.penn.museum/about-collections/museum-archives/collections-list/manuscript-collections>

3. http://dla.library.upenn.edu/dla/ead/ead.html?id=EAD_upenn_museum_PUMu1026&detail=detail&#ref338

<https://www.penn.museum/collections/archives/findingaid/552811>

آثار مکشوفه در کاوش‌های هیأت مشترک اعزامی به ایران در ری (عمدتاً از چشمه علی، شهر کهن ری و چال‌ترخان-عشق‌آباد) به رسم معمول در پایان کاوش‌ها میان این هیأت و دولت ایران تقسیم شد. سهم دولت ایران در موزه ایران باستان جای گرفت و سهم هیأت باستان‌شناسی ری نیز به موزه دانشگاه پنسیلوانیا^۱ و موزه هنرهای زیبای بوستون، و بعدتر مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو راه یافت (A.R.H. 1935: 56; Matney 1995; Treptow 2007: 11) و تعداد کمتری از اشیاء نیز در سال‌های بعد به سایر موزه‌ها و مجموعه‌ها راه یافتند.^۲ بیشتر مجموعه‌های مربوط به چال‌ترخان هم بعدها از موزه دانشگاه پنسیلوانیا به موزه هنر فیلادلفیا منتقل شد (Thompson 1976: xi).

حدوداً چهل سال پس از کاوش‌های اشمیت، دیورا تامپسون گچ‌بری‌های چال‌ترخان-عشق‌آباد را دستمایه رساله دکتری خود (۱۹۷۵م/۱۳۵۴ش) کرد. وی سپس در سال ۱۹۷۶م/۱۳۵۵ش نتیجه نهایی مطالعات خود را درباره این گچ‌بری‌ها منتشر کرد (Thompson 1976). با اینکه تمرکز اصلی تامپسون مطالعه و انتشار گچ‌بری‌های محوطه بود، اما کتاب ناگزیر شرحی از بقایای معماری کاوش شده در چال‌ترخان-عشق‌آباد را نیز شامل می‌شود. علاوه بر این تعداد ۲۹ سفال‌نوشته (۲۵ مورد به پهلوی و ۴ مورد به عربی) نیز از محوطه چال‌ترخان به دست آمده بود که کاتالوگ آنها نیز توسط تامپسون در همان کتاب منتشر شده است. تعدادی از سکه‌های مکشوفه از این محوطه با نشان ضرابخانه ری نیز توسط جورج مایلز منتشر شدند (Miles 1938: 12, 34, 40, 112) اما سایر سکه‌ها و دیگر یافته‌های به‌دست آمده از کاوش اشمیت در چال‌ترخان شامل سفال، شیشه، مهر و ... همچنان منتشر نشده باقی مانده‌اند (Kröger 1990: 654).

در سال ۱۹۹۳م/۱۳۶۲ش تیموتی متنی از دانشگاه آکرون پروژه‌ای را با هدف انتشار کامل اسناد و مدارک و نتایج کاوش اشمیت در چشمه علی آغاز کرد. گزارش مختصری از این برنامه در سال

۱. موزه دانشگاه پنسیلوانیا سه مجموعه (جمعاً ۱۶۵۲ شیء) از اشیاء مکشوفه در ری توسط اشمیت را در اختیار دارد. این مجموعه‌ها شامل مواد مختلفی از دوران نوسنگی تا سده‌های میانه اسلامی از جمله ظروف و قطعات سفال، سکه، منسوجات، مهر، شیشه، ظروف و اشیاء فلزی و سنگی، زیورآلات، پیکرک و مجسمه و ... است که به صورت آنلاین کاتالوگ شده و قابل دسترسی‌اند.

<https://www.penn.museum/collections/accessionlot.php?irn=378>

<https://www.penn.museum/collections/accessionlot.php?irn=354>

<https://www.penn.museum/collections/accessionlot.php?irn=1959>

۲. آگاهی از پراکندگی این قطعات پراکنده کار دشواری است. برای نمونه می‌توان به صفحات و قطعات گچ‌بری موجود در موزه هنر لس‌آنجلس، موزه بریتانیا و موزه لوور اشاره کرد:

<https://collections.lacma.org/node/172672>

<https://www.britishmuseum.org/collection/term/x32893>

<https://collections.louvre.fr/en/ark:/53355/cl010320105>

۱۹۹۵م/۱۳۷۴ش منتشر شد (Matney 1995). بعدتر و از سال ۲۰۰۵م/۱۳۸۴ش متنی برنامه انتشار نتایج کاوش‌های اشمیت در چشمه‌علی را در قالب برنامه مشترکی با حسن فاضلی نشلی از دانشگاه تهران و انتشار هر دو مجموعه موجود در پنسیلوانیا و تهران ادامه داد (Gustavel 2009: 82). نتیجه این همکاری همچنان در دست انتشار است.^۱ علاوه بر این، بخشی از سفال‌های چشمه‌علی موجود در مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو را یوسف مجیدزاده در رساله دکتری خود (Majidzadeh 1976) و ۵۶ عدد از سفال‌های چشمه‌علی موزه ملی را آذرمیدخت اسفندیاری در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعه و منتشر کرده‌اند (اسفندیاری ۱۳۷۸). در سال ۲۰۰۷م/۱۳۸۶ش بخشی از مجموعه سفالینه‌های دوران اسلامی ری موجود در مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو همراه با تعدادی از عکس‌ها و طرح‌های آبرنگی آرشیو اشمیت در نمایشگاهی با عنوان *Daily Life Ornamented* به نمایش درآمد. به همین مناسبت تانیا تریپتو بر اساس اسناد و یافته‌های اشمیت از دوران اسلامی، گزارش مختصری از جایگاه شهر ری در سده‌های میانه منتشر کرد (Treptow 2007).

سرانجام پس از نزدیک به هشتاد سال از زمان کاوش‌های اشمیت در محدوده شهر سده‌های میانی اسلامی ری، فرایند مطالعه و انتشار نتایج این کاوش‌ها بر اساس اسناد و مدارک بایگانی شده در مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو و موزه باستان‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه پنسیلوانیا و مجموعه مواد فرهنگی موجود در این موزه در قالب پروژه‌ای با عنوان *Recovering Rayy* به سرپرستی رناتا هولود در سال ۲۰۱۳ آغاز شد.^۲ دستاورد این پروژه در دو کتاب یکی درباره کاوش‌های اشمیت و دیگری با موضوع یافته‌های آن منتشر خواهد شد (Holod, forthcoming).

برایند نهایی

مرور فعالیت‌های باستان‌شناسی انجام شده در پهنه باستانی ری در نیمه نخست سده بیستم میلادی و ارزیابی سرنوشت مدارک و یافته‌های مربوط به این کاوش‌ها گویای آن است که مواد حاصل از کاوش‌های علمی یا تجاری ایرانی و غیرایرانی اواخر سده ۱۹ تا پیش از ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م غالباً یا در بازارهای عتیقه معامله شدند یا به موزه‌های اروپایی راه یافتند و لزوماً چیزی به دولت ایران تحویل داده نمی‌شد. حتی در گزارش‌های مختصر منتشر شده توسط هیأت‌های فرانسوی، که طبق امتیازنامه‌های ۱۸۹۵ و ۱۹۰۰م/۱۲۷۴ و ۱۲۷۹ش ملزم به تحویل نیمی از یافته‌ها به دولت ایران بودند، اشاره‌ای به این مسأله

1. <https://whitelevy.fas.harvard.edu/people/timothy-matney>

2. <https://web.sas.upenn.edu/kolbsociety/research/b-is-the-starting-letter-for-this-test-research>

نشده است. اسناد داخلی مرتبط با این فعالیت‌ها نیز عموماً محدود به مکاتبات اداری و دولتی اداره کل عتیقات است و نه اسناد علمی و مستندات کاوش‌ها و یافته‌ها.

سرگذشت فعالیت‌های باستان‌شناسی ری را در نیمه نخست سده بیستم (دو دهه پایانی سده ۱۳ و سه دهه اول سده ۱۴ ش) و سرنوشت اسناد، گزارش‌ها و یافته‌های مرتبط با این کاوش‌ها را بیش از هر چیز باید در بستر تاریخچه باستان‌شناسی ایران در این دوران سنجید و بررسی کرد. با پایان گرفتن انحصار فرانسویان بر تمامی کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران به سال ۱۳۰۶ ش/۱۹۲۷ م، تصویب قانون حفظ آثار عتیقه و نظام‌نامه اجرایی آن به ترتیب در سال‌های ۱۳۰۹ و ۱۳۱۱ ش/۱۹۳۰ و ۱۹۳۲ م، افتتاح موزه ایران باستان در سال ۱۳۱۶ ش/۱۹۳۷ م و تغییر اداره عتیقات به اداره کل باستان‌شناسی در حدود سال ۱۳۱۸ ش/۱۹۳۹ م، باستان‌شناسی ایران رفته رفته در حال تکوین و تکامل هویتی نوین برای خود و سامان دادن به سازوکاری اداری و قانونی جهت انجام، مدیریت و نظارت بر کاوش‌ها و یافته‌های باستان‌شناسی بود که شاید بتوان گفت سرانجام در اوایل دهه ۱۳۴۰ ش/۱۹۶۰ م به قوام رسید. بدیهی است نباید آنچه را در این دوران از منظر اداره امور باستان‌شناسی بر باستان‌شناسی ایران گذشت، با ملاک‌های امروزی سنجید و نقد کرد. بلکه شایسته‌تر آن است که با مرور تاریخچه فعالیت‌های باستان‌شناسی در این دوران و شناسایی بهتر آرشیوها و مجموعه‌هایی که یافته‌ها و اسناد مربوط به فعالیت‌های این چند دهه در آنها نگهداری می‌شود، تلاش خود را بر شناخت بهتر و بیشتر و انتشار اسناد و گزارش‌ها و نیز تکمیل و تدقیق دامنه شناخت خود از چشم‌انداز باستان‌شناسی ایران معطوف کنیم.

منابع

- آنه، کلود (۱۳۶۸). اوراق ایرانی، ترجمه ایرج پروشانی، تهران: معین.
- اسفندیاری، آرمیدخت (۱۳۷۸). جایگاه فرهنگ چشمه علی در فلات مرکزی ایران، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی ایران.
- افروند، قدیر (۱۳۹۵). "ری: باستان‌شناسی و هنر و معماری"، دانشنامه جهان اسلام (ج. ۲۱)، زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی. ص ۱۶ - ۲۲.
- بروگش، هینریش کارل (۱۳۷۴). در سرزمین آفتاب، مترجم مجید جلیل‌وند، تهران: مرکز.
- بشاش کنزق، رسول (۱۳۸۳). "خرده سفال‌های کتیبه‌دار تپه میل ورامین"، نامه پژوهشگاه میراث فرهنگی ۶ (ضمیمه)، ص ۸۹-۹۴.
- بهرامی، روح‌الله و عیسی عبدی (به کوشش) (۱۳۸۰). اسنادی از باستان‌شناسی در ایران (حفریات، عتیقات و بناهای تاریخی)، تهران: معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور.
- غلام‌دوست، مهتاب (۱۳۹۱). "جایگاه قانون عتیقات و حفریات تجاری در باستان‌شناسی ایران"، هشتاد سال باستان‌شناسی ایران، به کوشش یوسف حسن‌زاده و سیما میری، تهران: نشر پازینه، ص ۱۱-۴۷.
- فاضلی، حسن و رحیم ولایتی (۱۳۹۳). "چشمه علی"، دانشنامه جهان اسلام (ج. ۱۲)، (<https://rch.ac.ir/article/Details/8115>)
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۹۶). ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کروگر، ینس (۱۳۹۶). تئینات گچبری ساسانی، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: سمت و پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- کریمان، حسین (۱۳۴۵). ری باستان. ۲ جلد. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- کریم‌لو، داود (به کوشش). (۱۳۷۸) تاراج میراث ملی؛ جلد اول (هیئت فرانسوی ۱۳۲۹-۱۳۱۵ ق.ه. ۱۹۱۱-۱۸۹۷ م.). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- لوسوئور، امیل (۱۳۶۸) نفوذ انگلیسی‌ها در ایران، مترجم محمدباقر احمدی ترشیزی، تهران: شرکت کتاب برای همه.
- مصطفوی، محمدتقی (۱۳۳۴) "تلاش در راه خدمت به آثار ملی و امید به آینده"، گزارش‌های باستان‌شناسی، ج. ۳، ص ۳۶۵-۵۱۳.
- مقدم، عباس (۱۳۹۰). "چشمه‌علی، تپه"، دائرة المعارف بزرگ اسلامی. ج. ۱۹، ص ۳۲۹-۳۳۲.
- ملک شه‌میرزادی، صادق (۱۳۷۸). ایران در پیش از تاریخ، تهران: معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور.
- "A New Expedition to Persia", *Museum Bulletin*, Vol. IV, no. 5 (October, 1933): 140-142. <https://www.penn.museum/sites/bulletin/1247/> (accessed on 27/07/2021)
- Amiet, Pierre (1994). "De Morgan, Jacques", *Encyclopedia Iranica*, Vol. VII, Fasc. 2: 175-177.
- <https://iranicaonline.org/articles/de-morgan> (accessed on 09/10/2021)
- Amiet, Pierre. (1997). "La période Roland de Mecquenem (1912-1946)", In *Une mission en Perse 1897-1912*, N. Chevalier (ed.), 162-187, Paris.

- A.R.H. 1935 "The Persian Expedition 1934", *Bulletin of the Museum of Fine Arts*, Vol. 33, No. 198: 55-59.
- Balcer, Jack Martin (1991). "Erich Friedrich Schmidt, 13 September 1897-3 October 1964", In *Through Travellers' Eyes: European Travellers on the Iranian Monuments*, Heleen Sancisi-Weerdenburg and Jan Willem Drijvers (eds.), 147-172, Leiden: Nederlands Instituut voor het Nabije Oosten.
- Boucharlat, Remy (2005). "Ernst Herzfeld and French Approaches to Iranian Archaeology", In *Ernst Herzfeld and the Development of the Near Eastern Studies, 1900-1905*, Ann C. Gunter and S.R. Hauser (eds.), 429-444, Leiden and Boston: Brill.
- Chevalier, Nicole (1989). "Hamadan 1913: une mission oubliée", *Iranica Antiqua*, Vol. XXIV: 245-253.
- Chevalier, Nicole (2009). *Chronique des premières missions archéologiques françaises à Suse d'après les photographies et mémoires de l'architecte Maurice Pillet (1912-1913)*, Teheran: Institut français de recherche en Iran.
- Chevalier, Nicole (2012). "Early Excavations (pre-1914)", in *A Companion to the Archaeology of the Ancient Near East*, D.T. Potts (ed.), Vol. 1, 48-69, Wiley-Blackwell.
- de Mecquenem, Roland (1928). "sur la céramique peinte archaïque en Perse", *Mémoires de la Mission Archéologique en Perse* Vol. XX: 99-132.
- de Menasce, Jean Pierre (ed.) (1957). *Ostraca and Papyri. Portfolio I. Corpus Inscriptionum Iranicarum*, Part III, *Pahlavi Inscriptions*, vol. IV, Ostraca, and vol. V, Papyri. London.
- "Excavations at Rayy." *Museum Bulletin*, Vol. V, no. 4 (January, 1935): 25-27.
<https://www.penn.museum/sites/bulletin/1500/> (accessed on 27/07/2021)
- Fazeli, Hasan, Robin Coningham and Catherine M. Batt (2004). "Cheshmeh-Ali Revisited: Towards an Absolute Dating of the Late Neolithic and Chalcolithic of Iran's Tehran Plain", *IRAN*, Vol. 42: 13-23.
- Fromanger, Marine (2002). "Les fonds Henry Viollet (1880-1955): documents d'archives et photographies", In *Iran: Questions et Connaissances*, Maria Szuppe (ed.), Vol. 2: 513-524, Paris: Peeters and AAEI (Studia Iranica, 26).
- Fromanger, Marine (2004). *Le Fonds Henry Viollet (1880-1955): documents d'archives et photographies*, unpublished doctoral dissertation, Aix-en-Provence Université.
- Frye, Richard Nelson (2012). "Asia Institute", *Encyclopedia Iranica*, online edition.
<http://www.iranicaonline.org/articles/asia-institute-the-1> (accessed on 09/10/2021)
- Goode James F. (2007). *Negotiating for the Past- Archaeology, nationalism and Diplomacy in the Middle East 1919-1941*, Austin: University of Texas Press.

- Gunter, Anne C. and S.T. Hauser. (2005). "Ernst Herzfeld and Near Eastern Studies, 1900–1950", In *Ernst Herzfeld and the Development of the Near Eastern Studies, 1900-1905*, Ann C. Gunter and Stefan R. Hauser (eds.), 3-44, Leiden and Boston: Brill.
- Gustavel, Lucy (2009). "The Burials at Cheshmeh Ali and Rayy: The Excavations of Erich Schmidt 1934- 1936", *Field Notes: A Journal of Collegiate Anthropology* 1: Article 6.
- Hauser, Stefan R. (2003). "HERZFELD, ERNST i. LIFE AND WORK", *Encyclopedia Iranica*, XII, Fasc. 3: 290-293. <http://www.iranicaonline.org/articles/herzfeld-ernst-i-1> (accessed on 30/12/2012).
- Herrmann, Georgina (1978). "Stucco from Chal Tarkhan-Eshqabad near Rayy. By Deborah Thompson", *The Antiquaries Journal* Vol. 58(2): 406–408.
- Herzfeld, Ernst (1926). "Reisebericht", *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft*, Vol. 80 (N.F. 5), No. 4: 225-284.
- Holod, Renata (2019). "Chal Tarkhan, An Estate on the Rayy Plain", In *Journey to the City: A Companion to the Middle East Galleries at the Penn Museum*, S. Tinney and K. Sonik (eds.), 335-338, University of Pennsylvania Press.
- Holod, Renata (ed.) (forthcoming). *Recovering Rayy: Erich Schmidt's Excavations at Rayy, Iran, and their Contribution to the Study of the Material Culture of Medieval Iran*.
- Holod, Renata (ed.) (forthcoming). *The Material and Visual Culture of Rayy*.
- Kröger, Jens (1990). "ČĀL TARKĀN", *Encyclopedia Iranica* Vol. IV, Fasc. 6: 654-655. <https://iranicaonline.org/articles/cal-tarkan-cal-tarkan-esqabad-a-site-about-20-km-southeast-of-ray-with-remains-from-the-late-sasanian-and-early> (accessed 09/08/2021)
- Kröger, Jens (2005). "Ernst Herzfeld and Friedrich Sarre", In *Ernst Herzfeld and the Development of the Near Eastern Studies, 1900-1905*, Ann C. Gunter and S.R. Hauser (eds.), 45-99, Leiden and Boston: Brill.
- Majidzadeh, Yusef (1976). *The early prehistoric cultures of the Central Plateau of Iran. an archaeological history of its development during the fifth and fourth millennia*. Unpublished PhD Dissertation, University of Chicago.
- Martinez-Sève, Laurianne (2004). "MECQUENEM, ROLAND DE", *Encyclopedia Iranica*, online edition Accessed August 8, 2021. <https://iranicaonline.org/articles/mecquenem-roland-de> (accessed 09/08/2021)
- Matney, Timothy (1995). "Re-excavating Cheshmeh Ali", *Expedition Magazine*, Vol. 37.2: 26-38. <http://www.penn.museum/sites/expedition/?p=4832> (accessed on 09/08/2021)

- Matney, Timothy, Hasan Fazeli and Holly Pittman (eds.)(forthcoming). *The Schmidt Expedition to Cheshmeh Ali, Iran, 1934–1936*.
- Miles, George C. (1938). *The Numismatic History of Rayy*, New York.
- Mousavi, Ali (2005). “Ernst Herzfeld, Politics and the Antiquities Legislation in Iran”, In *Ernst Herzfeld and the Development of the Near Eastern Studies, 1900–1905*, Ann C. Gunter and S.R. Hauser (eds.), 445–476, Leiden and Boston: Brill.
- Nasiri-Moghaddam, Nader (2002). “Les efforts britanniques pour container les intérêts archéologiques de la France en Perse”, In *Iran : Questions et Connaissances*, Maria Szuppe (ed.), Vol. 2: 371–380, Paris: Peeters and AAEI (Studia Iranica, 26).
- Nasiri-Moghaddam, Nader (2004). *L'archéologie française en Perse et les antiquités nationales (1884–1914)*. Paris, Connaissances et Savoirs 2006 “Marché de l’art en Iran au début du XXe siècle à travers la correspondance Vignie”, In *Classical and Contemporary Iranian Studies: Proceedings of the 5th European Conference of Iranian Studies, held in Ravenna 6–11 October 2003*. Antonio Panaino & Riccardo Zipoli (eds.), 439–444, Milano: Università di Bologna and Istituto Italiano per l’Africa e l’Oriente.
- Pézar George and George Bondoux. (1911). “Mission de Téhéran”, *Mémoires de la délégation en Perse*, Vol. XII: 51–64.
- Pope Arthur Upham (1942) “The Survey of Persian Art and Its Critics”, *Ars Islamica*, Vol. 9: 169–208.
- Rante, Rocco (2010). “RAY i. ARCHEOLOGY”, *Encyclopedia Iranica*, online edition.
<https://www.iranicaonline.org/articles/ray-i-archeo> (accessed on 09/08/2021)
- Rante, Rocco (2015). *Rayy: From Its Origins to the Mongol Invasion, an Archaeological and Historiographical Study*. (Arts and Archaeology of the Islamic World.) xiv, Leiden: Brill.
- Sarre, Friedrich (1913). “Frühislamische, in Graffitotechnik dekorierte Keramik persischer Herkunft in der Islamischen Kunstabteilung”, *Amtliche Berichte aus den Königlichen Kunstsammlungen* 35. Jahrg., Nr. 2: 9–12.
- Schmidt, Eric Friedrich (1933). “The Joint Expedition to Persia”, *American Journal of Archaeology*, Vol. 37, No. 2: 302–304.
- Schmidt, Eric Friedrich (1935a). “The Persian Expedition”, *Museum Bulletin* Vol. V, No. 5: 41–49.
<https://www.penn.museum/sites/bulletin/1539/> (accessed on 27/07/2021)
- Schmidt, Eric Friedrich (1935b). “Excavations at Rayy”, *Ars Islamica*, Vol. 2, No. 1: 139–141.

- Schmidt, Eric Friedrich (1935c). "Excavations at Rayy." *Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archaeology*, Vol. 4, No. 1: 38-39.
- Schmidt, Eric Friedrich (1936a). "Rayy Research 1935 (Part I)", *Museum Bulletin*, Vol. VI, No. 3: 79-87.
<https://www.penn.museum/sites/bulletin/1740/> (accessed on 27/07/2021)
- Schmidt, Eric Friedrich (1936b). "Rayy Research, 1935 (Part II)", *Museum Bulletin*, Vol. VI, No. 4: 133-136.
<https://www.penn.museum/sites/bulletin/1852/> (accessed on 27/07/2021)
- Schmidt, Eric Friedrich (1937). *Excavations at Tepe Hissar. Damghan. 1931-1933*, Philadelphia.
- Schmidt, Eric Friedrich (1939). *The Treasury of Persepolis and Other Discoveries in the Homeland of the Achaemenians*. Chicago: University of Chicago
- Schmidt, Eric Friedrich (1940). *Flights over Ancient Cities of Iran*, University of Chicago. The Oriental Institute.
- Schmidt, Eric Friedrich (1942). *The Rayy Expedition*, University of Chicago. The Oriental Institute. Aerial Survey Expedition.
- Schmidt, Eric Friedrich (1953). *Persepolis I. Structures-Reliefs-Inscriptions*. Chicago: University of Chicago Press
- Schmidt, Eric Friedrich (1957). *Persepolis II. Contents of the Treasury and Other Discoveries*. Chicago: University of Chicago Press
- Schmidt, Eric Friedrich (1970). *Persepolis III. The Royal Tombs and Other Monuments*. Chicago: University of Chicago Press
- Schmidt, Eric Friedrich, Maurits N. van Loon and Hans H. Curvers. (1989). *The Holmes Expeditions to Luristan*. 2 Vols. Chicago: Oriental Institute Publication.
- "The Joint Expedition to Persia", *Museum Bulletin*, Vol. V, no. 3 (May, 1934): 86-87.
<https://www.penn.museum/sites/bulletin/1438/> (accessed on 27/07/2021)
- "The Persian Expedition", *Museum Bulletin*, Vol. V, no. 2 (March, 1934): 40.
<https://www.penn.museum/sites/bulletin/1369/> (accessed on 27/07/2021)
- Thompson, Deborah (1976). *Stucco from Chal Tarkhan-Eshqabad Near Rayy: Including Illustrations of the Excavated Ostraca from the Same Site*. Warminster: Aris and Phillips.
- Tissot, Francine (1994). "DÉLÉGATIONS ARCHÉOLOGIQUES FRANÇAISES", *Encyclopedia Iranica* Vol. VII, Fasc. 3: 238-242.
<https://iranicaonline.org/articles/dlgations-archologiques-franaises#pt1> (accessed on 08/08/2021)
- Treptow, Tania (2007). *Daily Life Ornamented: The Medieval Persian City of Rayy*, Chicago.
- Vanden Berghe, Louis (1959). *Archdologie de l'Iran ancien*. Leiden.

- Vignier, Charles and Roger Fry. 1914 "The new Excavation at Rhages", *The Burlington Magazine for Connoisseurs*, Vol. 25: 210-213, 216-218.
- Viollet, Henry (1914). "Deux années en Perse", *La Revue du Foyer*, Vol. 16: 297-323.
- Wallis, H. (1891). *The Godman Collection: Persian Ceramic Art in the Collection of Mr. F. Ducan Godman FRS: I The Thirteenth Century Lustered Vases*. Privately published.
- Watson, O. (2007). "Rayy: from Wallis to Watson", in *Daily Life Ornamented: The Medieval Persian City of Rayy*, Treptow, T. (ed.), 9-10, Chicago.
- Weber, Dieter (1992). *Ostraca, Papyri and Pergamente. Textband I. Corpus Inscriptionum Iranicarum, Part III, Pahlavi Inscriptions*, vol. IV, Ostraca, and vol. V, Papyri. London.